

نسل‌مانا

ماهنامه نابینایان / سال دوم / شماره ۲۲ / مهرماه ۱۴۰۲



برخی عناوین این شماره:

* دست خالی معلولان در برنامه هفتم توسعه

* دنیای اینترنت، منهای نابینایان

* ابعاد تازه امید: از لیبریا تا کلرادو

* ورود به دانشگاه: طعمی میان عشق و اضطراب

* گرامیداشت روز جهانی نابینایان بر فراز کوه

صاحب‌امتیاز: انجمن نابینایان ایران

مدیرمسئول: امیر سردمی

سر‌دبیر: امید هاشمی

نویسندگان: رؤیا بابایی، فاطمه جوادیان، نگین حیدری، امیر سردمی، ابوذر سمیعی، منصور شادکام، رقیه شفیعی، مسعود طاهریان، صلاح‌الدین محمدی، میرهادی ناؤینی‌زاده، محمد نوری، امید هاشمی و زهرا همت

مترجمان: میثم امینی و امید هاشمی

ویراستار: فاطمه محسن‌زاده

ویراستار بریل: روح‌الله رنجبر

طراح لوگو و جلد: ترانه میلادی

عوامل تهیه و تدوین پادکست‌ها: اشکان آذرماصوله، نگین حیدری، امیر سردمی، رقیه شفیعی، مسعود طاهریان و امید هاشمی

گوینده نسخه صوتی: زهرا همت

تنظیم نسخه‌های الکترونیکی: زهرا همت

مدیر شبکه‌های اجتماعی: امیر سپهری

مدیر صفحه اینستاگرام: اعظم چلوی

چاپ بریل: بخش نابینایان کتابخانه مرکزی یزد

صحاف: ماهرخ تجا

توزیع: اداره کل پست استان یزد

حامیان مالی: باشگاه تشریفاتی اقدسیه، بانک مسکن، پرداخت الکترونیک سداد، شرکت دانش‌بنیان پکتوس

با سپاس از همراهی علی‌اکبر جمالی، مدیرعامل انجمن نابینایان ایران

دست خالی معلولان در برنامه هفتم توسعه:

نمایندگانی که از حق معلولان دفاع نکردند ۲

گزارش عملکرد انجمن نابینایان ایران (مهر ۱۴۰۲) ۵

پیشخوان: مروری بر پادکست‌ها و نشریه‌های

انگلیسی‌زبان ویژه افراد با آسیب بینایی ۶

ورود به دانشگاه: طعمی میان عشق و اضطراب ۹

گزارشی از مراسم روز جهانی ایمنی عصای سفید در

باشگاه تشریفاتی اقدسیه توسط انجمن نابینایان

ایران (بخش اول) ۱۲

سفرنامه استانبول در ایستگاه آخر ۱۵

دسترس‌پذیر کردن ریاضیات برای نابینایان و

کم‌بینایان ۱۷

دنیای اینترنت، منهای نابینایان ۲۰

گزارشی از مراسم روز جهانی ایمنی عصای سفید در

باشگاه تشریفاتی اقدسیه توسط انجمن نابینایان

ایران (بخش دوم) ۲۳

مشاغل از نگاه سم سیوی ۲۶

قانون عصای سفید ۲۸

اتحاد مورچه‌ها در برابر سیلاب (نقش مهارت‌های

ارتباطی در زندگی افراد نابینا و کم‌بینا) ۲۹

به قلم شما ۳۲

احمد رضا در آینه منابع ۳۴

گرامیداشت روز جهانی عصای سفید بر فراز کوه ۳۵

نواک: نوای کتاب در گفتگو با صاحب‌نظران نابینا ۳۸

بگذار و بگذر ۳۹

شاخصی برای توجه آن برنامه نسبت به آن قشر یا گروه محسوب نمی‌شود.

معینی ادامه داد: بیشتر کارشناسان متفق‌القول هستند برنامه هفتم توسعه ماهیت یک برنامه کلان را ندارد و سیاست‌های مشخصی در آن گنجانده نشده است. در این برنامه عمدتاً روی‌پزدازی شده و مباحث آن بسیار آرمان‌گرایانه است. اهدافی در برنامه وجود دارد که مکانیسم‌های مشخصی برای آن پیش‌بینی نشده است، تناقض بسیاری در برنامه دیده می‌شود و به‌طور کلی اشکال بسیاری از منظر برنامه‌نویسی به آن وارد است. کارشناسان اعتقاد دارند با ایرادهای ساختاری فراوانی که در برنامه هفتم توسعه وجود دارد، درصد ناکامی آن به نسبت برنامه‌های قبلی بیشتر است.

مدیرعامل شبکه ملی نایب‌نایان چاووش بیان کرد: باینکه بر اساس ماده ۵۷ احکام دائمی کشور، سازمان بهزیستی به‌عنوان متولی سلامت اجتماعی مطرح شده است، اما در برنامه هفتم، توجهی به این سازمان نشده است. زمانی که لایحه برنامه هفتم توسعه منتشر شد، متوجه شدیم این برنامه کمترین توجه را به خدمات اجتماعی از منظر حمایت‌های اجتماعی دارد. با توجه به شرایط کشور، دولت در برنامه هفتم می‌کوشد مسئولیت و بار هزینه‌ای را از روی دوش خود بردارد. با وجود این شرایط ما ورود کردیم و به دنبال آن بودیم از طریق برنامه هفتم توسعه، ظرفیت‌های اجرایی جدیدی را برای قانون حمایت از حقوق معلولان ایجاد کنیم. از یک‌سال و نیم قبل، با وزارت تعاون و سازمان بهزیستی تماس گرفتیم و از آنها توضیحاتی درباره اقداماتشان خواستیم. متأسفانه در زمینه معلولان، دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط هیچ ارتباطی با یکدیگر نداشتند و وزارت تعاون به‌عنوان یک نهاد بالادستی، نمی‌دانست در سازمان بهزیستی چه می‌گذرد.

سهیل معینی گفت: مدتی در بررسی برنامه هفتم توقیفی ایجاد شد؛ تا اینکه نمایندگان مجلس اعلام کردند اگر

دست خالی معلولان در برنامه هفتم توسعه: نمایندگان که از حق معلولان دفاع نکردند

امیر سرمدی: مدیرمسئول



از اوایل مهرماه بررسی برنامه هفتم توسعه در صحن علنی مجلس شورای اسلامی آغاز شده است. به همین بهانه با سهیل معینی، عضو شورای مرکزی در کارگروه بررسی برنامه هفتم توسعه در مرکز پژوهش‌های مجلس، به گفتگو نشستیم. در این مصاحبه، به نگاه دولت در ارتباط با حمایت‌های اجتماعی در برنامه هفتم توسعه، بررسی فرایند احکام پیشنهادی معلولان در کمیسیون‌های تخصصی، روند بررسی در کمیسیون تلفیق، چگونگی اصلاح قانون حمایت از حقوق معلولان و چرایی عدم اجرای آن در حال حاضر اشاره شده است.

سهیل معینی در خصوص توجه برنامه هفتم توسعه به معلولان گفت: برنامه‌های توسعه اگر به معنای واقعی کلمه جنبه توسعه‌ای داشته باشند، وارد جزئیات نمی‌شوند و صرفاً سیاست‌های کلان و راهبردی را در بر می‌گیرند؛ برای مثال اعلام می‌شود در زمینه رفاه اجتماعی، شاخص‌ها در پنج سال آینده تا چه اندازه باید تغییر کند، رشد تولید ناخالص ملی چه میزان باید باشد، محورهای این رشد چگونه است، در زمینه کاهش فقر چه اقدامی باید صورت گیرد و... با این رویکرد، سازمان‌ها سیاست‌گذاری‌های کلان را در برنامه‌های خود، به راهبردهای اجرایی تبدیل می‌کنند؛ بنابراین نام بردن یا نبردن از اقشار مختلف در برنامه‌های توسعه‌ای، لزوماً

مدیرعامل انجمن باور در ادامه صحبت‌های خود در روند تدوین احکام معلولان در برنامه هفتم گفت: متأسفانه کارگروه بهزیستی نتوانست ارتباط مؤثری را با تشکل‌های معلولان برقرار کند. از آن سو شبکه‌ها و تشکل‌های افراد دارای معلولیت نیز پیشنهاد مشخصی برای این برنامه نداشتند. ناینایان، ناشنوایان و افراد جسمی و حرکتی، هر کدام، دو شبکه ملی دارند، اما نقطه نظرات خود را ارسال نکردند. به نظر من دلیل آن، ضعف جدی دانش تخصصی در حوزه معلولان و نداشتن درک کافی نسبت به اهمیت موضوع است. فقط کامران عاروان یک‌بار و بهروز مروتی دو بار در جلسه‌های مرکز پژوهش‌ها شرکت کردند که دستاورد چندانی هم نداشت، البته بهروز مروتی زحمت خود را می‌کشد و سعی می‌کند اثرگذار باشد.

معینی در پاسخ به این سؤال که فکر نمی‌کنید دلیل این موضوع ناامیدی حاکم بر جامعه نسبت به حاکمیت و عدم وجود گوش شنوا در میان مسئولان باشد گفت: این عامل قطعاً تأثیرگذار است، اما زمانی که امید بر جامعه حاکم بود، تشکل‌های معلولان از ضعف دانش تخصصی رنج می‌بردند و به صحنه نمی‌آمدند، البته این مسئله در خصوص سایر سازمان‌های مردم‌نهاد نیز صدق می‌کند و تنها مختص معلولان نیست؛ چراکه آنها نیز در کارگروه‌های دفتر مطالعات اجتماعی مرکز پژوهش‌های مجلس مشارکت چندانی نداشتند.

معینی تصریح کرد: ما چاره‌ای جز کنشگری نداریم و اگر تسلیم ناامیدی شویم، کل ماجرا را باخته‌ایم؛ در واقع همین دستاوردهای اندکی هم که داریم، مدیون در صحنه بودن خودمان هستیم.

او ادامه داد: درنهایت در فرایند بررسی احکام پیشنهادی، به ما اعلام شد بر اساس شرایط کشور، احکام بسیاری را به مجلس نیاورید؛ چراکه مجلس نیز نمی‌تواند در تمامی آنها مداخله کند و تغییرات مورد نظر شما را اعمال کند؛ از این رو سعی شد احکام کمتری به کمیسیون‌ها

دولت لایحه برنامه هفتم را به مجلس نیاورد، بودجه سال ۱۴۰۲ را بررسی نخواهند کرد. در این زمان به سرعت جلسه‌ها آغاز شد. از ابتدا مشخص بود با این عجله نمی‌توان کار خاصی را از پیش برد. با مطالعه پیش‌نویس جدید لایحه برنامه توسعه هفتم، به این نتیجه رسیدیم هیئت دولت هیچ توجهی به زندگی معلولان و به‌طور کلی حمایت‌های اجتماعی نکرده است؛ بنابراین دست ما بسیار بسته شد. وزارت تعاون می‌بایست در همان دولت از احکام خود دفاع می‌کرد که در این زمینه بسیار ضعیف عمل کرد. در این شرایط بود که به مرکز پژوهش‌های مجلس پیشنهاد دادیم حال که وزارت‌خانه‌های تخصصی وظیفه خود را به‌طور شایسته انجام ندادند، آنها به مسئله ورود کنند که استقبال کردند. بخش تشکل‌های دفتر مطالعات اجتماعی چندین کارگروه را برای بررسی برنامه هفتم توسعه تشکیل داد. یکی از این کارگروه‌ها برای سازمان بهزیستی بود که مسئولیت آن را به دکتر شیخی، مدیر شبکه مراکز مثبت زندگی، واگذار کردند. پنج نفر به‌عنوان اعضای شورای مرکزی انتخاب شدند تا مسئول نظارت بر مصوبه‌های کارگروه‌ها باشند. این جانب نیز به‌عنوان عضو شورای مرکزی انتخاب شدم و کار بررسی احکام آغاز شد.

در پیش‌نویس اولیه دولت، آورده بودند معلولان می‌توانند در استخدام بخش خصوصی، با اختیار خود قراردادی را امضا کنند که دریافتی‌شان کمتر از قانون وزارت کار باشد. این حکم با هدف افزایش اشتغال معلولان در برنامه هفتم گنجانده شده بود، اما در عمل زمینه استثمار معلولان را فراهم می‌کرد؛ ضمن اینکه این حکم نقض مواد ۱۲ و ۱۳ قانون حمایت از حقوق معلولان بود؛ چراکه در این قانون آمده است: اگر کارفرما تمام قوانین وزارت کار را در استخدام معلولان رعایت کند، دولت بیمه کارفرمایی یا جبران عدم کارایی را پرداخت خواهد کرد. درنهایت با اعتراض‌های فراوانی که صورت گرفت، این بند از پیش‌نویس اصلی برنامه هفتم توسعه حذف شد.

نسل‌مانا

برای آن پیش‌بینی نشده است؛ بنابراین استدلال نمایندگان نیز در این زمینه ما را قانع نکرد.

اواخر شهریورماه هیئت‌رئیسۀ مجلس از مرکز پژوهش‌ها درخواست کرد یک یا دو حکم پیشنهادی معلولان را اعلام کند تا با حمایت هیئت‌رئیسۀ در فرایند بررسی لایحه برنامه هفتم توسعه در صحن علنی مجلس اضافه شود. با ما تماس گرفتند و ما همان ماده ۲۷ را پیشنهاد دادیم. حالا باید دید در نهایت خروجی برنامه هفتم برای معلولان، پس از بررسی نمایندگان مجلس به چه فرجامی می‌انجامد. روندی که در تمامی کمیته‌ها طی شد، روند ناامیدکننده‌ای بود و در تمامی کارگروه‌ها این مسئله صادق بود؛ چراکه همواره اعلام می‌شد دولت در شرایط خاصی قرار دارد، دولت تحت فشار مالی است و نباید تعهدات درازمدت برایش ایجاد کرد.

سهیل معینی در پایان گفت: درست است که در تدوین برنامه هفتم توسعه برای معلولان ناکام بودیم و موفقیت چندانی نصیبمان نشد، اما ما همچنان قانون حمایت از معلولان را داریم. در برنامه هفتم دنبال ظرفیت مکمل برای قانون حمایت بودیم که به آن نرسیدیم، اما بودجه ۱۴۰۳ را پیش رو داریم و باید پیشنهادهای خود را در بودجه ۱۴۰۳ بگنجانیم. باید با وحدت کامل تمامی تشکل‌های معلولان، بتوان ظرفیت‌های جدیدی را برای قانون حمایت ایجاد کرد تا آینده بهتر و امیدوارکننده‌تری در انتظار جامعه معلولان باشد.

مصاحبه یک‌صد دقیقه‌ای نسل مانا با سهیل معینی شامل مباحث بسیار، از جمله سایر مسائل مربوط به برنامه هفتم توسعه، لزوم اصلاح بخش‌هایی از قانون حمایت از حقوق معلولان، چرایی اجرا نشدن قانون حمایت در حال حاضر، عملکرد شبکه‌ها و سمن‌های ویژه معلولان در زمینه اصلاحیه قانون حمایت است که فایل صوتی گفتگو با ایشان را می‌توانید ذیل این مصاحبه در وبگاه و شبکه‌های اجتماعی نسل مانا دریافت کنید.

ارسال شود که نخست دایره اثرگذاری آن وسیع باشد و دوم اینکه در قانون حمایت از معلولان به آن اشاره نشده باشد. با این رویکرد تلاش شد برای برخی از احکام زمین‌مانده قانون حمایت از حقوق معلولان، سیاست‌های راهبردی نوشته شود. برای ماده ۲۷ از قانون حمایت از حقوق معلولان پیشنهاد شد دولت در سال نخست ۲۰ درصد از جامعه هدف را تحت پوشش قرار دهد تا در مدت پنج‌سال، به صورت پلکانی، پوشش خود را به ۱۰۰ درصد برساند. پیشنهاد دادیم تمامی معلولان تحت پوشش بیمه پایه سلامت قرار بگیرند، تمام افراد معلول تحت پوشش بیمه‌های تکمیلی باشند و خدمات توان‌بخشی، مشمول بیمه‌های پایه‌ای و تکمیلی شوند. در زمینه مناسب‌سازی، اصلاح سیاست‌های شغلی معلولان و حق پرستاری نیز احکامی پیشنهاد شد.

پس از ارائه این پیشنهادها از سوی ما، تعدادی از نمایندگان مجلس به مرکز پژوهش‌ها دعوت شدند تا درباره این احکام تبادل نظر صورت گیرد. تعدادی از این احکام در کمیسیون اجتماعی و سایر کمیسیون‌ها به تصویب رسید، اما متأسفانه نمایندگان کمیته‌های تخصصی از احکامی که خودشان تصویب کرده بودند، در کمیسیون تلفیق دفاع نکردند؛ بنابراین تمامی زحمات ما و جلسه‌های کارشناسی و لابی‌گری‌های صورت‌گرفته بر باد رفت و با تصویب نشدن پیشنهادهای ما در کمیسیون تلفیق، خواسته‌های ما برای تصویب نهایی به صحن علنی مجلس راه پیدا نکرد. کارشناسان مرکز پژوهش‌ها نیز از این بابت بسیار کلافه و ناراحت بودند. در صحبتی که با نمایندگان در خصوص چرایی این امر داشتیم، آنها اعلام کردند نمایندگان دولت مانع ورود برخی از این احکام به برنامه می‌شدند؛ برای مثال آقای منظور، رئیس سازمان برنامه و بودجه، در خصوص ماده ۲۷ در جلسه به نمایندگان گفته بود اجرای این ماده تعهد دولت است و خود ما آن را اجرا می‌کنیم، درحالی که در شش سال گذشته با وجود تعهد دولت، منابع مشخصی

تشکر کنیم. این برنامه با تمام دشواری با همکاری حامیان گرمی انجام شد و بنا داریم صعود به قله مرتفع‌تری را طی امسال و سال آینده، برنامه‌ریزی کنیم. اجرای چنین برنامه‌هایی برای ارتقای سلامت جسمانی و روانی افراد با آسیب بینایی و خروج برخی از افراد این گروه از انزوا بسیار مفید است و باعث شادابی و نشاط این گروه و خانواده‌هایشان خواهد بود.



برگزاری مراسم روز بزرگداشت ایمنی عصای سفید در تاریخ بیست و سوم مهرماه از مهم‌ترین برنامه‌های افراد با آسیب بینایی است که انجمن نیز این مراسم را همه‌ساله به صورت شایسته‌ای برگزار می‌کند. از آقای مهربان، مدیر باشگاه تشریفاتی اقدسیه و آقای منوچهر هادی، کارگردان برجسته و فرهیخته کشورمان، که فراهم کردن فضا و امکانات برگزاری این مراسم با حضور افراد با آسیب بینایی و خانواده‌هایشان؛ مدیران سازمان بهزیستی؛ نماینده نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور؛ جناب آقای مهندس باهنر، دبیرکل جامعه اسلامی مهندسين و عضو حقیقی مجمع تشخیص مصلحت نظام؛ آقای محسنی بندپی، نماینده مردم نوشهر و چالوس و کلاردشت در مجلس شورای اسلامی؛ آقای دکتر محمودنژاد، مشاور رئیس سازمان بهزیستی کشور؛ نمایندگان شرکت پرداخت الکترونیک سداد، بانک سامان، بانک مسکن، بانک آینده، شرکت دانش‌بنیان پکتوس و سایر مهمانان محترم را عهده‌دار بودند، تشکر و قدردانی می‌کنیم. جلسه بسیار خوبی بود و هنرمندان نابینا و کم‌بینا و آقای لهراسبی، هنرمند

گزارش عملکرد انجمن نابینایان ایران (مهر ۱۴۰۲)

منصور شادکام

قائم‌مقام انجمن نابینایان ایران

شما می‌توانید ضمن مطالعه نسخه متنی این گزارش، نسخه صوتی آن را هم با صدای نگارنده ذیل همین نوشته در وبسایت و صفحات نسل مانا در پیام‌رسان‌ها و شبکه‌های اجتماعی دریافت کنید.

ضمن عرض سلام و احترام خدمت مخاطبان ارجمند، مانند همیشه در ابتدا لازم می‌دانم از حامیان محترم ماهنامه نسل مانا که قطعاً ادامه حیات نشریه، بدون همکاری ایشان میسر نخواهد بود و تحریریه ماهنامه که همواره در مسیر تهیه مطالب دست اول و انتشار به‌هنگام نشریه می‌کوشند؛ تشکر و قدردانی کنم.

همان‌گونه که مستحضر هستید، برگزاری جلسه‌های سیاست‌گذاری جشنواره کتاب افراد دارای معلولیت (کاما) یکی از مهم‌ترین برنامه‌های انجمن در سال جاری است. ششمین جلسه این جشنواره به میزبانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برگزار شد و با تصویب این جلسه، نتایج داوری آثار تا تاریخ دوازدهم آبان‌ماه از سوی مؤسسه خانه کتاب و ادبیات ایران، در اختیار انجمن قرار خواهد گرفت و این نتایج در هفتمین جلسه سیاست‌گذاری جشنواره که در تاریخ چهاردهم آبان‌ماه و به میزبانی نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور برگزار خواهد شد اعلام می‌گردد تا هماهنگی‌های لازم برای دعوت از برگزیدگان برای حضور در اختتامیه جشنواره و دریافت جوایز، در تاریخ هفتم آذرماه صورت گیرد.

صعود گروه کوه‌نوردی انجمن نابینایان ایران به قله ۲۵۵۰ متری آبیدر، در شهر سنندج، با حضور ۲۸ نفر از نابینایان و کم‌بینایان و هم‌نوردان، از دیگر اقدام‌های انجمن در مهرماه بود که با همکاری گروه کوه‌نوردی «عصای سفید» سنندج انجام شد و جا دارد از این گروه

نسل‌مانا

پیشخوان: مروری بر پادکست‌ها و نشریه‌های انگلیسی‌زبان ویژه افراد با آسیب بینایی

امید هاشمی: سردبیر

این شماره را با معرفی یک نرم‌افزار کاربردی آغاز خواهیم کرد که درشت‌نمایی را در آیفون و آی‌پد تسهیل می‌کند؛ نرم‌افزاری که به‌زودی نسخه اندروید آن هم منتشر خواهد شد. سپس از یک نیکوکار لیبرایی خواهیم گفت که امکان تحصیل نابینایان هم‌وطنش را آسان کرده است. همچنین با یادداشت‌بردار بریل جدید و احتمالاً ارزان آشنا خواهیم شد و به بهانه تقارن این شماره از نسل مانا با ماه آگاهی در خصوص استخدام معلولان، نکاتی در زمینه چگونگی فعالیت کنشگران در این حوزه در کشور آمریکا خواهیم شنید.

همه امکانات یک درشت‌نمای سخت‌افزاری

در یک نرم‌افزار کاربردی رایگان

آسان‌تر شدن دسترسی کاربران نابینای ایرانی به سیستم عامل آی‌اواس ما را هم بر آن داشته تا به نرم‌افزارهایی که بر اساس این سیستم عامل طراحی می‌شوند، توجه بیشتری نشان دهیم؛ هرچند قوانین خلق‌الساعه‌ای که در خصوص دسترسی ایرانی‌ها به گوشی‌های آیفون اختراع می‌شود، همه علاقه‌مندان را نگران کرده است، اما به‌رحال امیدواریم با مقاومت در برابر قوانین من‌درآوردی، مانع از جاماندنمان از قطار سریع‌السیر فناوری باشیم.

این که سم سیوی^۱ و آیز آن ساکسس^۲ دو تا از محبوب‌ترین پادکست‌ها و برنامه‌های ویژه نابینایان در طول ماه گذشته به سراغ یک افزار کاربردی رفته باشند، خود دلیل محکمی است بر اهمیت این محصول تازه؛ محصولی که امکانات یک درشت‌نمای سخت‌افزاری چند صد دلاری را در اختیار کاربران آیفون و آی‌پد قرار

برجسته کشورمان در این مراسم به اجرای برنامه پرداختند. انجمن نابینایان ایران بسیار علاقه‌مند است که با بهانه‌های گوناگون و با اجرای چنین برنامه‌هایی، دوستان نابینا و کم‌بینا را گرد هم آورد و باعث بهبود روحیه ایشان گردد. امیدواریم با اتکا به حمایت حامیان محترم انجمن، بتوانیم همواره برنامه‌هایی از این دست اجرا کنیم.

رونمایی از سامانه کاخ‌موزه نیاوران، یکی از رویدادهای مهم ماه گذشته بود و افراد با آسیب بینایی از این پس می‌توانند با مراجعه به کاخ‌موزه نیاوران، بدون کمک همراه بینا و با استفاده از سامانه با امکانات این مجموعه آشنا شوند.

جلسه‌ای با سرکار خانم دکتر عباسی و خانم دکتر صفاری‌فرد، مدیرکل دفتر توانمندسازی و کارشناسان سازمان بهزیستی کشور داشتیم و در این جلسه مباحث بسیاری در حوزه مسائل و مشکلات جامعه افراد با آسیب بینایی مطرح شد و در این روز، مطالبه‌های اعضای جامعه هدف را به مسئولین انتقال دادیم، به‌ویژه احیای مراکز توان‌بخشی، از جمله مرکز رودکی و روزنامه «ایران سپید» را از رئیس سازمان بهزیستی و رئیس‌جمهور طلب کردیم. پیگیری اشتغال افراد با آسیب بینایی، به‌ویژه تغییر شیوه‌گزینش در وزارت آموزش و پرورش از دیگر مسائلی بود که در این جلسه مطرح شد و به موارد دیگری، از جمله ناکافی بودن مستمری مددجویان، پرداخت شهریه دانشجویان و... نیز پرداخته شد. از دولتی که شعارش، انقلابی، مردمی و جهادی بودن است، انتظار می‌رود در کنار مردم باشد و با بررسی مشکلات بتواند ضمن حفظ کرامت انسانی افراد دارای معلولیت، فکری به حال مشکلات آنها کند تا این دوستان هم از فرصت برابر با سایر شهروندان برخوردار باشند.

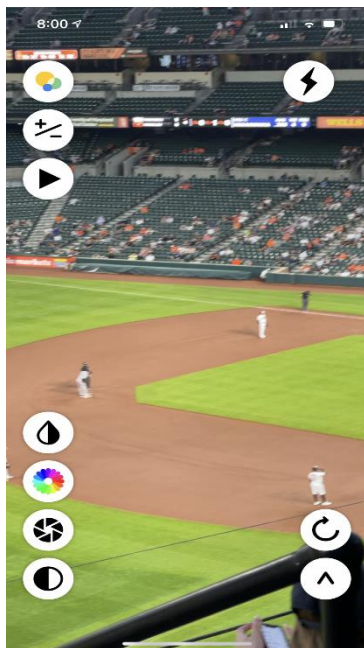
در پایان از درگاه ایزد منان، برای همه شما عزیزان، آرزوی موفقیت، سربلندی و بهروزی دارم.

^۲ Eyes On Success

^۱ Sam Seavey

ربوکا تعبیه شده، قابلیت درشت کردن متن و عکس است. کاربران می‌توانند با نزدیک یا دور کردن دو انگشت، اندازه تصاویر را تغییر دهند، البته امکانی هم در نظر گرفته شده است که کاربران بتوانند این کار را با یک دست و صرفاً به وسیله کشیدن یک انگشت روی صفحه انجام دهند. نور فلش از دیگر امکانات این برنامه است. کاربر می‌تواند فلش دوربین را روشن کند تا تصاویر با وضوح بیشتری دیده شود. همچنین این امکان هم در اختیارش قرار گرفته است که به کمک یک نوار لغزنده، میزان نور فلش دوربین را کم و زیاد کند. امکان فریز کردن، یعنی ثابت نگه داشتن بخشی از یک عکس از دیگر امکانات ربوکا است. کاربران می‌توانند از قابلیت تضاد رنگ هم استفاده کنند. گفتنی است اگرچه ربوکا رایگان در اختیار کاربران قرار گرفته، اما استفاده از برخی امکانات آن مستلزم پرداخت سه دلار حق عضویت ماهانه است. از جمله امکانات نسخه پیشرفته این است که کاربران می‌توانند افزون بر رنگ‌های سیاه و سفید، ده‌ها ترکیب رنگی دیگر را هم انتخاب کنند. همچنین دارندگان نسخه پیشرفته می‌توانند به کمک یک دکمه، به محتوای گالری خود دسترسی داشته باشند و عکس‌ها را مستقیماً از گالری بازخوانی کنند.

دیگر ویژگی جالب توجه ربوکا این است که کاربران کم‌بینا می‌توانند بسته به کیفیت بینایی خود، عکس‌ها را به گونه‌ای تغییر دهند که جزئیات بیشتری از محتوای عکس



^۲ Rebokey

می‌دهد. به روال همیشه، ابتدا با سازنده این نرم‌افزار کاربردی آشنا می‌شویم و سپس امکانات نرم‌افزاری را که طراحی کرده است مرور می‌کنیم.



ربکا روزنبرگ^۱ در اثر ابتلا به آلبنیسم کم‌بینا شده است. او دوره کارشناسی مهندسی پزشکی را در دانشگاه باکِنل و دوره کارشناسی ارشد یکی از شاخه‌های مربوط با رشته‌اش را در دانشگاه جانز هاپکینز گذراند. سپس روزنبرگ و همکارانش در قالب طرحی تحقیقاتی کوشیدند تا از هوش مصنوعی برای مهار مالاریا در مناطق جنوبی صحرای آفریقا استفاده کنند. ربکا در سال ۲۰۱۹ از این پروژه جدا شد و شرکت خودش را تأسیس کرد؛ شرکتی که نامش را با الهام از اسم خودش، «ربوکا»^۲ گذاشت.

او پس از سه سال کار مداوم، در سال ۲۰۲۲ توانست اولین نسخه نرم‌افزارش را روانه بازار کند؛ نرم‌افزاری که به قول خودش، قرار است کاربران کم‌بینا را از پرداخت چند هزار دلار برای یک درشت‌نمای سخت‌افزاری بی‌نیاز کند.

امکانات ربوکا، موارد گوناگونی را در بر می‌گیرد که سعی می‌کنیم به اندازه بضاعت این نوشته به بخشی از این امکانات اشاره کنیم. طبیعتاً مهم‌ترین ابزاری که در

^۱ Rebecca Rosenberg

مراجعه می‌کنند؛ اتفاقی که تا به حال در لیبریا رخ نداده بود و هیچ‌کس نمی‌دانست چطور باید با آن مواجه شود. نورتون، پسران پسران، مرکز نابینایان کلرادو را پیدا می‌کند و یک روز که مسافری را به آن محدودهٔ جغرافیایی می‌برد، به مرکز هم سری می‌زند و حکایت را با مدیر آن مرکز در میان می‌گذارد. مدیر مرکز با آغوش باز از رانندهٔ لیبرایی استقبال می‌کند و بنا را بر این می‌گذارد که چند نفر از معلمان این مدرسه، به خرج مرکز نابینایان کلرادو به آمریکا بیایند تا آموزش‌های لازم را فراگیرند. نورتون که ماجرا را این‌گونه می‌بیند، افزون بر معلمان مدرسهٔ خودش، چند نفری را هم از معلمان کشور غنا، در همسایگی لیبریا، که وضعیت مشابهی با لیبریا دارد، به این سفر دعوت می‌کند. سپس این معلمان آموزش‌های مربوط به خط بریل، جهت‌یابی و حرکت و استقلال فردی را یاد می‌گیرند تا بتوانند به کودکان نابینای غنا و لیبریا آموزش دهند. کار به اینجا ختم نمی‌شود. در سفری دیگر، چهار نفر دیگر از معلمان، مدیر مدرسه، معلم ریاضی و یک نفر نابینای تحصیل کرده، اما ناآشنا با امکانات ویژهٔ نابینایان دوباره به کلرادو سفر می‌کنند. آنها بریل، جهت‌یابی و فناوری‌های ویژه، از جمله آشنایی با صفحه‌خوان‌های ویژهٔ ویندوز و اندروید را یاد می‌گیرند و به لیبریا بازمی‌گردند. اکنون مهمان نابینای این جمع، در همان مدرسه به تدریس تاریخ مشغول است. ما در نسخهٔ صوتی پیشخوان، جزئیات مربوط به کیفیت زندگی نابینایان در لیبریا و نوع همکاری‌های مرکز نابینایان کلرادو با نورتون را با شما در میان گذاشته‌ایم.

سه تفنگ‌دار، هم‌پیمان برای تولید

یادداشت‌بردار ارزان قیمت

سه نفری که مهمان پادکست بلائیدبیلیتیز^۲ شده‌اند، همگی در دانشگاه ایالتی اوهایو تحصیل کرده‌اند. آنها کار در حوزهٔ نابینایان را با چاپ سه‌بعدی آغاز کرده و حالا در نشست سالانهٔ فدراسیون ملی نابینایان آمریکا

برایشان قابل رؤیت باشد. کاربران برای استفاده از این ویژگی، می‌توانند با دو ابزار چرخ‌دنده‌ای طیف اصلی رنگ و میزان تیرگی و روشنی آن را به دلخواه تنظیم کنند.

در نسخهٔ صوتی پیشخوان، جزئیات بیشتری از این نرم‌افزار کاربردی را در اختیار مخاطبانمان قرار داده‌ایم، اما لازم است همین‌جا به این نکته هم اشاره کنیم که طراحان ربوکا قرار است به‌زودی نسخهٔ اندرویدی این برنامه را هم عرضه کنند. اگر می‌خواهید از اولین کاربرانی باشید که از انتشار نسخهٔ اندروید مطلع می‌شوند، به صفحه فهرست انتظار نسخهٔ اندروید اپلیکیشن ربوکا بروید و ایمیل، نام و نام خانوادگی‌تان را وارد کنید.

ابعاد تازهٔ امید: از لیبریا تا کلرادو

روایتی که در ادامه می‌خوانید، در آخرین شماره از نشریهٔ «بریل مانیتور»^۱ منتشر شده است، البته بریل مانیتور هم آن را از وبگاه مرکز نابینایان کلرادو وام گرفته است. قصه، قصهٔ مردی معمولی است که توانسته یک‌تنه آموزش نابینایان را در کشور لیبریا کلید بزند.

لیبریا نام کشوری است در ساحل غربی آفریقا؛ کشوری که سال‌ها پیش، بردگان سیاه‌پوستی که از آمریکا گریخته بودند، آن را بنا نهادند. حالا مردی به نام «نورتون» توانسته است از لیبریا به آمریکا مهاجرت کند و در یک دانشگاه آمریکایی درس بخواند. نورتون رانندهٔ تاکسی اینترنتی است. او دو سال تلاش کرده است تا با جمع‌آوری کمک‌های بشردوستانه، مدرسه‌ای را برای کودکان هم‌وطنش راه‌اندازی کند. نورتون با تمام فراز و نشیب‌ها و علی‌رغم آنکه یک‌بار مجبور می‌شود همه‌چیز را از ابتدا شروع کند، مدرسه را راه می‌اندازد. حالا هشت‌صد دانش‌آموز لیبرایی در مدرسه درس می‌خوانند. قصه از آنجا آغاز می‌شود که امسال، چند دانش‌آموز نابینا برای ثبت‌نام به مدرسه‌ای که نورتون ساخته است

^۲ Blindabilities

^۱ Braille Monitor

ورود به دانشگاه: طعمی میان عشق و

اضطراب

زهرا همت: روان‌شناس و آموزگار آموزش و

پرورش استثنایی شهر تهران



دو هفته‌ای از اعلام نتایج آزمون سراسری می‌گذرد و بسیاری از دختران و پسران ما، سربلند از نتیجه، غرق شادی پذیرش در دانشگاه و ورود به دنیای دانشجویی هستند و چه خوب که بسیاری از جوانان با آسیب‌بینایی نیز با تمام فراز و نشیب‌های دانش‌آموزی و آزمون سراسری، موفق به کسب مجوز ورود به دانشگاه شده‌اند! نسل مانا هم به نوبه خود، به این عزیزان تبریک می‌گوید و برای تمام این پسران و دختران تلاشگر سرزمینمان آرزوی موفقیت دارد.

شما نودانشجویان عزیز، احتمالاً چند ساعت یا چند روز پس از دیدن نتیجه آزمون سراسری، متوجه شدید که عشق و شادی قبولی در دانشگاه، تنها هیجان درونی‌تان نیست و چه بسا در دل کمی احساس اضطراب و نگرانی از ورود به محیط جدیدتر و بزرگ‌تر و آنچه در انتظارتان است کرده‌اید. ممکن است برخی از شما خودتان را برای داشتن این احساس سرزنش کرده باشید یا حتی سعی کرده باشید با کسی در این مورد صحبت کنید. باید گفت

اعلام کرده‌اند که در حال طراحی و ساخت یک یادداشت‌بردار ارزان به نام «انیگما ریدر»^۱ هستند. آنها این کار را در قالب یک شرکت تجاری به نام «اکیوید دیزاین»^۲ پیش می‌برند. انیگما یک یادداشت‌بردار بیست‌سلولی مبتنی بر سیستم‌عامل لینوکس است و طبق گفته سازندگانش قرار است حداکثر تا یک‌سال دیگر روانه بازار شود.

ما در پادکست، هیچ توضیحی درباره جزئیات مربوط به امکانات دستگاه نمی‌شنویم. همچنین اشاره‌ای هم به قیمت تمام‌شده انیگما نمی‌شود. تنها نکته‌ای که مدیر شرکت بر آن تأکید می‌کند این است که در حال حاضر از فناوری پیزو^۳ برای ساختن سلول‌ها استفاده می‌شود که به خودی خود فناوری گرانی محسوب می‌شود و آنها در تلاش‌اند در صورت امکان از فناوری ارزان‌تری بهره ببرند تا قیمت تمام‌شده دستگاه را کاهش دهند. از سایر مشخصات سخت‌افزاری دستگاه هم سخن به میان نمی‌آید. ما حتی با جستجو در وبگاه شرکت سازنده هم نتوانستیم چنین اطلاعاتی را به دست آوریم. در نسخه صوتی پیشخوان، این اپیزود چهارده دقیقه‌ای را با تفصیل بیشتری بازگو خواهیم کرد. همچنین لازم به یادآوری است که ماه اوت در آمریکا با عنوان «ماه استخدام افراد دارای معلولیت» نام‌گذاری شده و هر ساله فعالان حقوق معلولان در طول این ماه به تبادل نظر در خصوص چگونگی ارتقای فرصت‌های شغلی معلولان می‌پردازند. آخرین اپیزود از پادکست اف‌اس‌کست^۴ هم به همین موضوع اختصاص یافته است که به علاقه‌مندان این حوزه پیشنهاد می‌کنیم برای اطلاع از جزئیاتش به نسخه صوتی پیشخوان مراجعه کنند. شما می‌توانید نسخه صوتی پیشخوان را از وبگاه و کانال‌های ما در شبکه‌های اجتماعی و پیام‌رسان‌ها دریافت کنید.

^۱ Piezo

^۴ FSCast

^۱ Enigma Reader

^۲ Acubed Design

محل سکونتشان پذیرفته شده‌اند. اگر شما هم از آن دسته هستید، از همین الآن تلاش‌تان را برای استقلال شروع کنید و این فرصت طلایی را از دست ندهید، حتی اگر هم در شهر خودتان دانشجوی شده‌اید، رفت و آمد مستقل را در نظر داشته باشید. در سال‌های گذشته با دانشجویانی مواجه شده‌ایم که گاه با یکی از اولیا در کلاس درس حاضر می‌شدند. نکند به خودتان چنین ظلمی کنید و خودتان را از حق زندگی آزاد و مستقل محروم کنید!

مدیریت مالی از موارد بسیار مهم در مسیر استقلال است. اکنون که فاصله بیشتری از خانواده می‌گیرید، باید بتوانید پول توجیبی‌هایتان را بهتر مدیریت کنید؛ بنابراین حواستان به همه‌چیز باشد و هزینه‌های رفت و آمد، خوراک، کتاب و جزوه و وسایل و ابزارهای مورد نیاز را در نظر داشته باشید و کم‌کم به فکر کسب درآمد، هر چند درآمدهای اندک از کارهای دانشجویی باشید.

پنهان کردن آسیب بینایی را فراموش کنید. در بین افراد با آسیب بینایی، هستند کسانی که تصور می‌کنند برملا شدن این ویژگی نزد دوستان و آشنایان مایه شرمساری است. یادتان باشد که نه شما و نه هیچ‌کس دیگر مقصر این آسیب نیستید؛ پس خجالت کشیدن هم در اینجا معنایی ندارد؛ به راحتی در مورد آسیب بینایی‌تان با سایرین صحبت کنید و هر جا احساس نیاز کردید، از دیگران کمک بگیرید.

یکی از تفاوت‌های مدرسه و دانشگاه این است که معمولاً در مدرسه، تمام کلاس‌ها در یک اتاق خاص تشکیل می‌شود و فقط کافی است اتاق مخصوص کلاستان را یاد بگیرید و رفت و آمد کنید، اما در دانشگاه، هر درس در یک اتاق یا حتی دانشکده خاص برگزار می‌شود، پس نیاز دارید، مکان‌های بسیاری را شناسایی کنید. می‌توانید بدون ناراحتی و خجالت از یکی از دوستان قدیمی، یکی از اعضای خانواده یا حتی یکی از

داشتن این احساس دوگانه خوشحالی و اضطراب، بسیار طبیعی است و شما باید خودتان را به شکل شایسته‌ای برای ورود به دانشگاه و حضور در کلاس‌ها و آشنایی با هم‌کلاسی‌ها و مواجهه با چالش‌های دانشجویی آماده کنید تا بتوانید بر این اضطراب غلبه کنید.

محیط دانشگاه، تفاوت‌های بسیاری با مدرسه دارد و به همین دلیل در بسیاری از کشورها پیش از شروع کلاس‌های درس، یک تور دانشگاه‌گردی برای آشنایی دانشجویان تازه‌وارد با محیط و مقررات دانشگاه برگزار می‌شود، اما متأسفانه در کشور ما تا جایی که ما بررسی کردیم، خبری از برگزاری چنین برنامه‌هایی نیست، به‌ویژه که امسال با تأخیر ایجادشده در اعلام نتایج آزمون سراسری و زمان مورد نیاز برای ثبت‌نام و گذراندن روند پیچیده اداری پذیرش دانشجویان، احتمالاً فرصت چنین برنامه‌هایی هم وجود نداشته و بسیاری از دانشگاه‌ها و مؤسسه‌ها هنوز مشغول ثبت‌نام و سامان‌دهی کلاس‌ها هستند. پس حالا که امکان چنین برنامه‌هایی نیست، باید خودتان دست‌به‌کار شوید و برای خودتان فکری کنید.

هرگز فراموش نکنید که ممکن است شما به‌واسطه آسیب بینایی، اندکی با هم‌کلاسی‌هایتان تفاوت داشته و نیازهای ویژه‌ای داشته باشید، اما این هرگز به معنای برتری دیگران بر شما نیست و تمام افراد، صرف‌نظر از تفاوت‌های فردی باهم برابرند و حالا که نهادها و رسانه‌ها، مسئولیت فرهنگ‌سازی را فراموش کرده‌اند؛ خود شما باید این کار را هم بر عهده بگیرید و با حفظ عزت‌نفس، با هم‌کلاسی‌ها ارتباط بگیرید و هرگز در دام گوشه‌گیری و انزوا نیفتید.

شما باید مهارت‌های جهت‌یابی و حرکت‌تان را ارتقا دهید. اکنون که وارد مرحله جدیدی از زندگی می‌شوید، فرصت خوبی است که با یادگیری یا ارتقای مهارت‌های جهت‌یابی و حرکت، یک گام بزرگ در مسیر استقلال بردارید. بسیاری از دانشجویان در شهرهایی غیر از شهر

و رعایت حدود و مرزهای آن، احتیاط لازم را به خرج ندهید، ممکن است با مشکلات و آسیب‌های بسیاری مواجه شوید.

با فناوری آشنا شوید یا شاید بهتر باشد بگوییم بیشتر آشنا شوید. استفاده از ابزارهایی مانند درشت‌نمای الکترونیک، یادداشت‌بردار بریل، نرم‌افزارهای کامپیوتر و تلفن همراه، می‌تواند بسیاری از دشواری‌های دانشجویان دیروز را از سر راه شما بردارد و به شما کمک کند همگام با دوستانتان پیش بروید.

صمیمانه برای شما، دانشجویان عزیز، آرزوی موفقیت و سربلندی داریم و آرزو می‌کنیم در سال‌های آینده، دانشجویان پیش از ورود به کلاس درس، آموزش‌های منسجمی ببینند. از انجمن‌ها و تشکل‌های افراد با آسیب بینایی انتظار داریم در این مسیر، اقدام‌هایی انجام دهند، از جمله اینکه خواستار توجه دانشگاه‌ها به دانشجویان با آسیب بینایی و تشکیل دفترهایی در هر دانشکده برای رسیدگی به امور و دغدغه‌های آنان باشند یا پیش از ورود دانشجویان به دانشگاه، همایش‌هایی با هدف آشناسازی دانشجویان با آسیب بینایی با محیط دانشگاهی برگزار کنند و متخصصین مواردی مانند شیوه دسترسی به منابع مطالعاتی و استفاده از فناوری‌های کمکی را آموزش بدهند.

از آنجا که با مواردی مواجه بوده‌ایم که تجهیزات آموزشی و توان‌بخشی توسط ارگان‌ها تهیه شده، ولی به دلیل ناآگاهی مسئولین و ترس از خراب شدن تجهیزات گران‌قیمت، در اختیار جامعه هدف قرار نگرفته است؛ باید تهیه و دسترسی افراد با آسیب بینایی به این ابزارها به‌طور جدی پیگیری شود.

آرزویمان این است که با انجام چنین اقدام‌هایی، اضطراب ناشی از ورود به دانشگاه در دل افراد با آسیب بینایی کم‌رنگ‌تر و عشق و شادی ورود به یک دنیای بزرگ‌تر، قلب ایشان را پرتپش‌تر کند.

هم‌کلاسی‌های جدیدتان بخواهید که باهم گشتی در دانشگاه بزنید و مکان‌ها را شناسایی کنید.

با استادان نیز در مورد آسیب بینایی‌تان صحبت کنید. بسیاری از استادان، قدرت درک شرایط ناشی از آسیب بینایی را دارند و با یک مناسب‌سازی کوچک در شیوه مدیریت کلاس، مثل یک‌بار خواندن آنچه روی تخته می‌نویسند یا نمایش می‌دهند، می‌توانند کار جزوه‌برداری شما را بسیار ساده‌تر کنند. اگر قصد ضبط کردن صدای کلاس را دارید، با اطلاع استاد مربوط این کار را انجام بدهید و با توجه به اینکه بسیاری از هم‌کلاسی‌های فاقد آسیب بینایی هم همین کار را می‌کنند؛ بدون هیچ نگرانی این کار را انجام دهید. اگر کم‌بینا هستید، می‌توانید از تخته یا نمایشگر کلاس عکس بگیرید و بخوانید و با اطمینان از اینکه بسیاری از هم‌کلاسی‌های شما هم همین کار را انجام می‌دهند، نگران غیرطبیعی بودن این کار نباشید. این کارها کاملاً طبیعی است و در حال حاضر با پیشرفت فناوری، دیگر نوشتن جزوه روی کاغذ کمتر رایج است.

برای دسترسی به منابع مطالعاتی، با بخش نایب‌ان کتابخانه‌های عمومی شهر، انجمن‌ها و... ارتباط برقرار کنید. ممکن است بسیاری از کتاب‌های مورد نیاز شما به‌صورت صوتی یا الکترونیکی موجود باشد و بتوانید از طریق منابع آگاه به‌راحتی به آنها دست پیدا کنید. اگر هم کتاب مورد نظرتان را پیدا نکردید، می‌توانید به دفتر امور دانشجویان دارای معلولیت در دانشگاه مراجعه کنید. اگر چنین تشکلی در دانشگاه شما وجود ندارد، می‌توانید از هم‌کلاسی‌ها کمک بگیرید. اگر قبلاً با آنها ارتباط دوستی مناسبی برقرار کرده باشید، می‌توانید باهم گروه‌های مطالعه تشکیل دهید و بسیاری از کارها را با مشارکت هم انجام دهید.

حواستان به دوستی‌هایتان باشد. با توجه به ویژگی‌های عاطفی خاص اوایل جوانی، ممکن است هر دوستی ساده‌ای، عشق تصور شود. اگر در شکل دادن دوستی‌ها

آخر همواره برنامه‌های مختلفی را به مناسبت روز جهانی نابینایان برگزار کرده است. وی ضمن قدردانی از باشگاه تشریفاتی اقدسیه گفت: ادامه فعالیت‌های انجمن منوط به حمایت حامیان آن است.

جمالی با تأکید بر اینکه فعالیت‌های فرهنگی در سالهای اخیر یکی از اصلی‌ترین حوزه‌های کاری انجمن است خاطر نشان کرد: ماهنامه نسل مانا حاصل توجه انجمن به حوزه فرهنگ است. این ماهنامه توسط خود نابینایان اداره می‌شود و در سه قالب صوتی، بریل و متنی به ۵۰ شهر ایران ارسال می‌شود. جمالی ضمن گلایه از وجود تنها یک یا دو چاپخانه دولتی در کشور برای نابینایان گفت: هزاران چاپخانه برای افراد بینا در کشور مشغول به چاپ کتاب هستند اما در زمینه نابینایان همان یک چاپخانه هم با فرسودگی تجهیزات چاپ مواجه است. وی ضمن انتقاد از عدم رسیدگی به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در کشور گفت: انجمن نابینایان ایران پیگیر مباحث مربوط به آموزش فنی و حرفه‌ای، مناسبسازی مبلمان شهری و مسئله اشتغال افراد نابینا و کم‌بینا است. جمالی در خصوص دسترس‌پذیری معابر شهری گفت: در خوشبینانه‌ترین حالت ۲۰ درصد از معابر شهری در تهران برای معلولان مناسبسازی شده است که فاصله زیادی با اهداف ما دارد. وی در پایان ابراز امیدواری کرد انجمن در ادامه فعالیت‌های خود بتواند پیگیر مسائل و خواسته‌های جامعه هدف باشد.

در ادامه، یاسین فرجی از خوانندگان نابینا به روی سن آمد و یکی از کارهای موسیقایی علی منتظری به اسم ستاره بارون را بازخوانی کرد. در ادامه این مراسم، کلیپی ۶ دقیقه‌ای از صعود گروه کوهنوردی انجمن نابینایان ایران به قله آیدر بزرگ پخش شد که به ارتفاع ۲۵۵۰ متر در شهر سنندج قرار دارد. یک تیم ۶۰ نفره شامل ۲۸ نفر از اعضای تیم کوهنوردی انجمن نابینایان ایران، گروه کوهنوردی عصای سفید سنندج و آبفای کردستان روز جمعه بیست و یکم مهرماه به مناسبت روز جهانی

گزارشی از مراسم روز جهانی ایمنی عصای سفید در باشگاه تشریفاتی اقدسیه توسط انجمن نابینایان ایران (بخش اول)

در ابتدای این مراسم که از ساعت ۱۰ صبح آغاز شد، داوود حسنی از قاریان نابینا به قرائت قرآن پرداخت

و پس از پخش سرود جمهوری اسلامی، مجریان برنامه اشکان آذرماسوله از گویندگان نابینای رادیو و پدram کریمی از مجریان سیما، ضمن خوشامدگویی به مهمانان آغاز ویژه برنامه روز جهانی نابینایان را اعلام کردند.

در ادامه، کلیبی از اقدامات انجمن نابینایان ایران در یک سال گذشته پخش شد که به اقدامات انجمن در زمینه‌های فرهنگی از جمله برگزاری جشنواره‌های گامینو و کاما، ماهنامه نسل مانا و برنامه شش نقطه، برگزاری تورهای طبیعتگردی و کوهنوردی، حمایت‌های معیشتی و درمانی شامل: سبد کالا، توزیع لوازم التحریر، جهیزیه، وام‌های قرض‌الحسنه، کمک هزینه دارو و درمان، برگزاری دوره‌های آموزشی شامل: آموزش خط بریل، آموزش رایانه و کار با گوشی‌های هوشمند در دفاتر نمایندگی، آموزش تحرک و جهت‌یابی و صنایع دستی اشاره داشت.

پس از پخش کلیپ گزارش عملکرد انجمن در یک سال گذشته، علی اکبر جمالی مدیرعامل انجمن نابینایان

ایران ضمن خیر مقدم به مدعوین حاضر در جلسه گفت: انجمن نابینایان ایران حدود ۳۰ سال است که فعالیت می‌کند و در سالهای



هشدار می‌دهیم اگر حمله زمینی به غزه را آغاز کنند، محور مقاومت واکنش تندی نشان خواهد داد.

مهندس باهنر در پایان ضمن اعلام راه‌های ارتباطی خود به نایبانیان از آنها خواست چنانچه مشکلاتی دارند آن را با ایشان در میان گذاشته و با ارسال پیامک پاسخگوی آنها خواهد بود.

در ادامه این مراسم، مازیار مهرگان از کم‌دین‌های مطرح کشور به اجرای استندآپ کمدی پرداخت.

مهندس منصور شادکام قائم‌مقام انجمن نایبانیان ایران در این مراسم گفت: در ابتدا جا دارد از تمامی خیران، سازمان‌ها و شرکتهایی که همراه ما هستند تشکر کنم. شرکتهایی همچون: پرداخت الکترونیک سداد، پیشگامان پویا، پارس حیان، گلرنگ، پکتوس، پالکو و بانک‌های مسکن، آینده، صادرات و معاونت فرهنگی-اجتماعی شهرداری و اداره کل سلامت شهرداری. اگر این شرکت‌ها و حامیان ما نباشند، انجمن نایبانیان ایران قدرت پشتیبانی از جامعه نایبانیان را ندارد. از مجموعه باشگاه تشریفاتی اقدسیه جناب آقای مهربان که مانند نامشان مهربان هستند هم تشکر ویژه‌ای دارم که مانند سال گذشته، همیار و همدل جامعه نایبانیان و انجمن در برگزاری مراسم روز جهانی نایبانیان بودند. با توجه به شرایط اقتصادی حاکم بر فضای کسب‌وکارهای داخلی، اینکه یک مجموعه اقتصادی-تجاری مثل باشگاه تشریفاتی اقدسیه اینچنین در کنار نایبانیان ایستاده و همواره دست یاری به سوی مسؤولین انجمن نایبانیان دراز می‌کند، امری فوق‌العاده ستودنی است. امیدواریم گردانندگان مجموعه تشریفاتی اقدسیه، بتوانند ثمره این حمایت همدلانه را در کسب‌وکار خود مشاهده کنند.

مهندس شادکام ادامه داد: تشکر بعدی من از دوست فرهیخته هنرمندم جناب آقای منوچهر هادی است که در سال‌های اخیر همواره در کنار انجمن نایبانیان ایران بوده‌اند. وی افزود: من آقای هادی را حدود ۲۰ سال است که می‌شناسم. ایشان ابتدا فیلم‌نامه نویس بودند و

نایبانیان موفق به صعود این قله شدند. ۱۳۶۹۰۹۹-۱۶۹۷۲۰-۱-scaled

سخنان حمید صاحب مدیرکل اداره کل سلامت شهرداری تهران بخش دیگری از ویژه برنامه روز جهانی نایبانیان بود. وی ضمن اشاره به گروه کوهنوردی انجمن نایبانیان ایران گفت: انسان از این همه توانمندی لذت می‌برد. کاری که این عزیزان در صعود به قله آیدر انجام دادند، از عهده بسیاری از ما انسان‌های سالم خارج است. وی به برنامه‌های شهرداری در ارتباط با معلولان اشاره کرد و افزود: اولین چهارشنبه هر ماه را با عنوان چهارشنبه‌های معلولان نام‌گذاری کردیم و برنامه‌هایی در سطح سرای محلات شهرداری برای این قشر برگزار می‌شود.

در ادامه این مراسم، مهندس محمدرضا باهنر سیاست‌مدار اصولگرا و از نمایندگان سابق مجلس شورای اسلامی گفت: خوشحالم که در جمع شما عزیزان هستیم.



هر وقت ویزای ورود به مراسم شما به من داده شود در جمع شما عزیزان حضور خواهیم یافت. وی در ادامه ضمن اشاره به مسئله این روزهای دنیای سیاست گفت: مسئله فلسطین تنها باید با انتخاب مردم فلسطین حل شود و همانطور که مقام معظم رهبری چند سال پیش اعلام کردند، این مسئله در یک انتخابات آزاد و با رأی خود آنها باید مشخص شود. وی ضمن اشاره به حمله اسرائیل به نوار غزه در روزهای اخیر گفت: آنها با این تهاجم گسترده نابودی خود را تسریع کردند و به آنها

کرد. مهندس شادکام در خصوص فعالیت‌های بانک مسکن و حمایتش از انجمن گفت: مدیران این بانک همواره در راستای مسئولیت اجتماعی که در این زمینه پیشگام هستند حامی انجمن نایبانیان ایران بوده‌اند. تا به حال سراغ ندارم درخواستی از بانک مسکن داشته باشیم و بسته به شرایطشان از ما حمایت نکرده باشند. ما ۲۸ بانک در سطح کشور داریم اما متأسفانه تنها ۳ بانک ارتباط خوبی با ما دارند. به مناسبت روز جهانی ایمنی عسای سفید و در راستای فرهنگسازی، از یکی از شرکت‌های ارتباطی درخواست کردیم متنی را برای آهاد مردم پیامک کند تا آنها بیشتر با جامعه نایبانیان آشنا شوند. به ما اعلام کردند این طرح ۱۶ میلیارد تومان هزینه در بر دارد، اما شما ۸ میلیارد پرداخت کنید. ایشان افزود: ما اگر ۸ میلیارد پول نقد داشتیم که بسیاری از مشکلات اعضای جامعه هدف خود را برطرف می‌کردیم. لذا بسیاری از شرکت‌ها نیز هستند که علیرغم درآمد سرشار روزانه، هیچ اعتقادی به مسئولیت اجتماعی ندارند و حاضر نیستند فعالیت‌های داوطلبانه اجتماعی داشته باشند. بانکی که تبلیغ کارت هواداری می‌کند حاضر نیست در کنار انجمن قرار بگیرد و اندک کمکی به مناسبت این روز انجام دهد. لذا باید از بانک‌هایی مانند مسکن، آینده و صادرات تشکر کرد.

مهندس شادکام در ادامه قدردانی خود از حاضران در مراسم روز جهانی ایمنی عسای سفید گفت: جا دارد از زحمات سامانه حمل و نقل جانبازان و معلولان و مدیران آن آقای عیوض‌زاده، ذوالقدر، رئوف و مسئول روابط عمومی این سامانه آقای اسداللهی تشکر کنم که همواره در کنار انجمن هستند. وی با نام بردن از سهیل معینی مدیرعامل انجمن باور و کامران عاروان مدیرعامل جامعه معلولان ایران گفت: در نشست امروز برخی از مدیران دفاتر نمایندگی انجمن نایبانیان ایران در استان‌ها نیز در کنار ما هستند که جا دارد از زحمات و فعالیت‌های این عزیزان نیز تشکر کنم.

کمتر کارگردانی می‌کردند. در آن زمان زندگی متوسطی داشتند، اما به خاطر کارهای خیری که انجام دادند، در حال حاضر از بهترین کارگردانان حال حاضر در کشور هستند. رمز موفقیت ایشان آن است که بین ۲۰ سال قبل ایشان با حال حاضر، هیچ تفاوتی وجود ندارد. اگر امروز در این مراسم هستیم، این امر به لطف هماهنگی‌های ایشان است. متأسفانه جامعه این مسائل را نمی‌بیند اما اگر کوچک‌ترین اشکالی در فیلمی باشد انسان‌های تنگنظر که هیچ اعتقادی هم به مسئولیت اجتماعی ندارند، شروع به فحاشی در فضای مجازی می‌کنند. لذا جا دارد قدردان هنرمندانی مانند منوچهر هادی و هیئت همراه آنها باشیم. این امر در ارتباط با مهندس باهنر نیز صدق می‌کند. ایشان چه آن زمان که نایب رئیس مجلس شورای اسلامی بودند و چه در حال حاضر که عضو تشخیص مصلحت نظام و دبیرکل جامعه اسلامی مهندسين هستند، همواره با روی باز دعوت ما را قبول می‌کنند. ایشان باید به عنوان یک مدیر اخلاق‌مدار الگوی سایر سیاست‌مداران در کشور باشد. قائم‌مقام انجمن نایبانیان ایران در ادامه سخنان خود بیان کرد: سازمان‌های حاضر در مراسم، اطلاع دارند اگر افراد چهره بخواهند در نشست‌های اینچنینی حاضر شوند، ۱۰-۱۵ سکه می‌گیرند. اما در مراسم ما این هنرمندان بدون هیچ چشم‌داشتی و با جان و دل در کنار نایبانیان قرار می‌گیرند.

مهندس شادکام در ادامه قدردانی خود از حامیان انجمن در طول یک سال گذشته به سردار رستمی از شرکت گلرنگ و آقای کچویی و هیئت همراه ایشان از این شرکت اشاره کرد و گفت: یکی دیگر از مهمانان امروز ما دکتر صفاری‌فرد از سازمان بهزیستی است که انتصاب جدید ایشان موجی از خوشبینی و تحول در این سازمان را به واسطه سابقه و تجربیات‌شان نوید می‌دهد. گودرزی مدیرکل نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور و ایمانی مشاور عالی مدیرعامل بانک مسکن از دیگر نفراتی بودند که قائم‌مقام انجمن نایبانیان ایران از آنها تشکر

سفرنامه استانبول در ایستگاه آخر

فاطمه جوادیان: کارشناس نابینایان

آموزش و پرورش استثنایی گیلان

می‌اندازند و یک جفت دمپایی یک‌بارمصرف هم می‌گذارند جلوی پایم. بعد مرا به سمت سونای خشک می‌برند. سارا هم سشواری در دست می‌گیرد تا موهایش را خشک کند. در اتاق سونا نشسته‌ام که متوجه می‌شوم لباس‌هایمان را به آنجا می‌آورند تا در مدتی که اینجا هستیم، زودتر خشک شوند.

بازوی کادک را گرفته‌ام. او مرا از میان چند در عبور می‌دهد. خوشبختانه سطح زمین صاف است و مانعی وجود ندارد. دستم را روی لبه یک تخت سنگی می‌گذارم و از من می‌خواهد روی آن دراز بکشم. سطح سنگ را لمس می‌کنم؛ صاف و تمیز است. حوله‌ای را که از روی شانه‌هایم برداشته، گذاشته است زیر سرم.

اولین ظرف بزرگ آب را که آرام و یکنواخت روی بدنم می‌ریزد، گویی چیزی در درونم رها می‌شود. به خودم می‌آیم و می‌بینم زده‌ام زیر آواز. صدایم پیچیده است در فضای گنبدی‌شکل حمام. هرچه از هاید و دلکش و محمد اصفهانی و دیگران به یاد دارم می‌خوانم. گاهی که فقط نفس می‌کشم، از آوازخواندنم تعریف می‌کند و می‌پرسد که آیا خوشحال هستیم؟ دست‌های کادک گویی خستگی ده‌ها سال را از جانم به در می‌برد. با ظرف بزرگی از کف که به آرامی تا زیر گردنم می‌ریزد، غافل‌گیر می‌شوم و تا مرز کودکی پیش می‌روم. دست‌های کوچک، اما قدرتمندش مرا در میان کف‌ها ماساژ می‌دهد. هرچه بگویم نمی‌توانم حال خوب آن لحظه‌ها را وصف کنم. از آن وقت‌هایی است که دلت می‌خواهد همان‌جا ته دنیا باشد.

مراسم شستشو، آب‌کشی و خشک کردن که تمام می‌شود، کادک و دوستانش مرا به سمت کمد راهنمایی می‌کنند. لباس زیر یک‌بارمصرفی را که در ابتدا به من داده‌اند، در پلاستیک می‌گذارم و به کادک می‌دهم تا در سطل زباله بیندازد. آنها سه دختر جوان اهل اندونزی هستند که در این هتل کار ماساژ و حمام ترک را انجام می‌دهند.

با سارا در سربالایی حرکت می‌کنیم. صورت‌هایمان از سرما و بارش برف بی‌حس شده است. بیشتر راه را آمده‌ایم. فکر کنم یکی از روزهای سرد استانبول است. حمام ترک را فرزانه به من معرفی کرد و فرزانه را یک دوست ایرانی. فرزانه یک برادر نابینا دارد که در شهر دیگری زندگی می‌کند. او شماره‌ای به من داد و گفت که می‌توانم با آنها تماس بگیرم. گفت که انگلیسی‌شان خوب است و در ادامه چند عبارت کوتاه، اما کاربردی ترکی را هم به من یاد داد. صحبت با کسانی که انگلیسی زبان بومی‌شان نیست، این ویژگی را دارد که هر دو به‌جای آنکه غلظت لهجه‌مان را به دیگری یادآور شویم، تلاش می‌کنیم منظورمان را به یکدیگر بفهمانیم؛ گاهی با تأکید روی کلمه‌ای و گاهی با اجرای نقشی که معنی آن کلمه را نشان می‌دهد و زمانی هم بیان آن کلمه به زبان‌های دیگر، اگر بدانیم و بتوانیم مثل ترکی، عربی، فارسی و



حمام در قسمت اسپا یا همان ماساژ هتل قرار دارد. در آنجا کادک به همراه دو همکار دیگرش منتظر ما هستند. از سر تا پا خیس شده‌ایم. بارانی‌هایمان را می‌گیرند و مرا به سمت یک کمد رمزدار راهنمایی می‌کنند. لباس‌هایم را در کمد می‌گذارم. آنها یک حوله روی شانه‌هایم

دستم را روی لبهٔ پارْتیشن می‌گذارند تا در موقعیتی نامعلوم رها نشده باشم. بعد سارا می‌آید و مرا به سمت ویلچر برقی هدایت می‌کند؛ یک ماشین یک‌نفرهٔ روباز که جایگاهی هم در پشت صندلی دارد تا شخص همراه یا همان راننده روی آن بایستد و ماشین را هدایت کند.

سارا را در آغوش می‌گیرم. موهای بلند و زیبایی در تابش نور آفتاب کمی گرم شده است. راننده حرکت می‌کند و من تا جایی که صدای سارا را می‌شنوم، به سمتش دست تکان می‌دهم. می‌دانم که او هنوز مرا می‌بیند. آقای راننده گاهی به وسیلهٔ بوق که صدایی الکترونیکی دارد و گاهی هم با فریاد مردم را کنار می‌زند. در میانهٔ راه به او پنجاه لیر انعام می‌دهم که با خوشحالی از من می‌پذیرد.

مصطفی در بیست دقیقهٔ آخر پرواز در صندلی کناری من می‌نشیند. پیش از او مرد کم‌حرفی نشسته بود که گه گاهی زمان پذیرایی مرا راهنمایی می‌کرد. صندلی‌ها طوری درهم‌فشرده‌اند که مرا به یاد مینی‌بوس‌های دههٔ شصت می‌اندازد. مردم بارها را با فشار در کابین‌های بالای سرمان جا داده‌اند. چقدر این پرواز با پرواز آسمان متفاوت است! البته بعد از پرواز متوجه می‌شوم که خلبان با مهارت تمام هواپیما را چنان هدایت کرده است که تأخیر یک‌ساعته را به بیست دقیقه کاهش داده است. مصطفی تعریف می‌کند که آمده است تا برای دوستش که در اکباتان کلاه‌فروشی دارد، کلاه انتخاب کند و سفارش بدهد. او جوان خوش‌صحبتی است.

در تهران به‌شدت برف می‌بارد. وقتی بر زمین می‌نشینیم، درمی‌یابم که دوباره به فیلترشکن نیاز پیدا کرده‌ام. مصطفی از طریق بلوتوث یک فیلترشکن برایم می‌فرستد. او به من اطمینان می‌دهد که تا در خروجی فرودگاه مرا همراهی می‌کند. عکسی را که سارا از چمدانم گرفته است، به او نشان می‌دهم. او و دوستش از آن عکس می‌گیرند و به راحتی چمدانم را پیدا می‌کنند. چمدان‌ها روی چرخ هستند. من دستم را روی دستهٔ

عصر سارا مرا به یک کوک‌ورج‌فروشی در بشیکتاش می‌برد تا میدیه یا همان صدف بخوریم. برایم سخت است، اما همین تجربه‌های تازه است که به سفر معنا می‌بخشد. باید دو نیم‌دایرهٔ صدف را که روی هم قرار دارد، به صورت افقی، در دو جهت مخالف و به آرامی حرکت دهیم تا صدف باز شود. در کفهٔ زیرین، خوراک صدف تازه و برنج قرار دارد؛ تقریباً به اندازهٔ یک قاشق غذاخوری. سارا دوربینش را رو به من گرفته است. در قاب تصویر خانمی در حال باز کردن صدف، یک بشقاب با تعدادی صدف در میان آن و تصویر رهبر محبوب مردم ترکیه، آتاتورک، بر دیوار مغازه دیده می‌شود.

در راه برگشت برای سارا یک گلدان گل می‌خرم. هرچه سعی می‌کند، منصرف نمی‌شوم. می‌دانم که آن گل را دوست دارد. وقتی از کنار مغازه‌ها و خانه‌ها و آدم‌ها عبور می‌کنیم، سارا همه‌چیز را برایم توضیح می‌دهد. از کنار گل‌فروشی که می‌گذریم، می‌ماند و یک گل را نشان می‌کند تا بعدها برای خودش بخرد. از او می‌خواهم گل را به من هم نشان بدهد. قیمتش را می‌پرسم. از صمیم قلب می‌خواهم هدیه‌ای برایم بگیرم که دوستش داشته باشد. آقای گل‌فروش یک گلدان کوچک هم به من هدیه می‌دهد.

روز آخر، ساعت نُه صبح، از خانه خارج می‌شویم. سارا شب پیش چمدانم را بسته است. خریدهایم زیاد است، اما او ماهرانه، همه را در چمدان جای داده است. تاکسی می‌گیریم و بعد از آن هم سوار اتوبوس بین‌شهری به نام «هاواییست» می‌شویم. نزدیک فرودگاه خانم پلیس با تفنگی در دست و سگی در کنارش ایستاده است. صف پرواز فضای مناسبی است تا آخرین حرف‌هایمان را بزنیم. وقتی نوبت به ما می‌رسد تا کارت پرواز را بگیرم، به خانمی که مأمور پرواز است توضیح می‌دهم که در ادامهٔ مسیر به ویلچر و همراه نیاز دارم. او هم حرف‌های مرا تکرار می‌کند تا مطمئن شوم که منظور مرا فهمیده است. آنها مرا «مادام» صدا می‌کنند. زمان بازرسی بدنی اجازه می‌گیرند که آیا آماده هستم یا نه. بعد از آن هم

دسترس‌پذیر کردن ریاضیات برای نابینایان و کم‌بینایان گردآوری و ترجمه: میثم امینی



داشتن پایه‌ای قوی در ریاضیات می‌تواند روی انتخاب‌های افراد در زمینه آموزش عالی، اشتغال و در نهایت فرصت‌ها در زندگی تأثیر داشته باشد. به عنوان یک زمینه درسی، ریاضیات بخشی کلیدی برای داشتن تحصیلاتی جامع و کامل است و درحالی‌که ریاضیات برای همه دانش‌آموزان و دانشجویان مهم است، آن دانش‌آموزان و دانشجویانی که نابینا یا کم‌بینا هستند، به طور قابل توجهی تحت تأثیر دسترس‌پذیر نبودن زمینه آموزش ریاضی قرار گرفته‌اند. ۷۵ درصد از دانش‌آموزان و دانشجویان نابینا و کم‌بینا در درس ریاضیات حداقل یک سال تحصیلی از هم‌کلاسی‌های بینایشان عقب هستند.

چند مانع موجب دسترس‌پذیر نبودن آموزش ریاضیات می‌شوند؛ نخست اینکه مطالب درسی همیشه در قالب‌هایی مانند بریل، کتاب‌های درخت‌خط، مطالب مناسب برای مطالعه با صفحه‌خوان‌ها، ورودی صوتی یا ترکیبی از این موارد مناسب‌سازی نمی‌شوند؛ علاوه بر این تهیه مطالب درسی در زمینه ریاضیات در قالب‌های صوتی یا بریل می‌تواند برای کسی که با محتواها در زمینه‌های علوم، فناوری، مهندسی و ریاضیات آشنایی ندارد، اما مسئول ایجاد مطالب در قالبی دسترس‌پذیر است، چالش‌برانگیز باشد. این موضوع می‌تواند باعث

چرخ گذاشته‌ام و در کنار مصطفی راه می‌روم. برای لحظه‌ای او چرخ را به دست برادرش می‌دهد و دنبال کاری می‌رود که در همان وقت راننده فرودگاه از راه می‌رسد، چمدانم را برمی‌دارد و همراه با من از برادر مصطفی دور می‌شویم؛ بی‌آنکه فرصتی بشود مصطفی بیاید تا از او به خاطر محبت‌هایش تشکر و با او خداحافظی کنم.

به محض اینکه در ترکیه بلیت برگشت را گرفتیم، با راننده هماهنگ شدم تا مرا از فرودگاه به رشت برساند. او در ابتدای سفر هم مرا به فرودگاه رسانده بود. شماره‌اش را داشتیم تا اگر باز هم نیاز شد از ایشان سرویس بگیریم. راننده مسیر را خوب می‌شناسد، اما جاده بر اثر بارش برف بسیار خطرناک شده است.

سحرگاه روز دوشنبه راننده چمدانم را جلوی واحد آپارتمان بر زمین می‌گذارد.

آن‌دمی را که در آنیم غنیمت شمیریم

شاید ای دل نرسیدیم به فردای دیگر

باشد که خواندن این سفرنامه برای شما خواننده گرامی نکته‌ای داشته باشد برای دانستن، برای فکر کردن و برای آغاز حرکتی نو در زندگی.

روزهایتان پر از شوق زندگی!



تحقیقات موجود نشان می‌دهد که نابینایی یا کم‌بینایی روی توانایی یک فرد در توسعه مهارت‌های ریاضی و درک مفاهیم ریاضی تأثیر نمی‌گذارد، بلکه دشواری در یادگیری ریاضیات ممکن است بیشتر به شیوه ارائه اطلاعات و انسجام آن مربوط باشد. دانش‌آموزان و دانشجویان نابینا و کم‌بینا وقتی بهترین بهره را از آموزش ریاضی می‌برند که یک رویکرد چندحسی برای آنها ارائه می‌شود و آنها در تعامل با مطالب و محتوا استقلال دارند. همچنین وقتی مطالب به صورت شنیداری و لمسی در اختیار آنها قرار می‌گیرد، احتمال بیشتری وجود دارد که به پرسش‌های تستی پاسخ صحیح بدهند.

گروه بر پایه این اطلاعات تصمیم گرفت ریاضیات فرایندمحور را در نمونه اولیه خود ادغام کند. ریاضیات فرایندمحور ابزاری کمکی برای یادگیری است که از بخش‌بندی برای ساده کردن چشم‌انداز عبارت‌های جبری پیچیده و کاهش بار شناختی در حافظه کاری استفاده می‌کند. این روش را دانشگاه آبرن که در شهر مونتگومری^۱ ایالات آلابامای آمریکا قرار دارد توسعه داد تا به لوگان، دانشجویی که نابینا شده بود و به دلیل بی‌حسی در انگشتان قادر به خواندن بریل نبود، در انجام تکالیف ریاضی‌اش کمک کند. این مدل‌های هوش مصنوعی می‌توانند به کاهش شدت کار و حفظ طبقه‌بندی ثابت اقلام در یک ارزیابی کمک کنند و نیاز به آزمایش‌های فشرده اقلام جدید را پیش از استفاده از آنها کاهش دهند.

دو نمونه اولیه معادله توسعه داده شد تا به کاربران صفحه‌خوان‌ها اجازه داده شود بخش‌های مختلف یک معادله ریاضی را انتخاب کنند و وارد قسمت‌هایی از معادله شوند که می‌خواهند آنها را کاوش کنند. وقتی یک دانش‌آموز یا دانشجو از صفحه‌خوان استفاده می‌کند،

بی‌دقتی و ایجاد خطا در کار شود که در نتیجه آن ۸۵ درصد از دانش‌آموزان و دانشجویان مطالب درسی خود را در سال تحصیلی دیر تحویل می‌گیرند.

تفاوت‌هایی هم در چگونگی درک مطلب بین نابینایان و کم‌بینایان و افراد بینا وجود دارد. اگر یک فرد بینا کوتاه به یک معادله ریاضی نگاه کند، قادر است اطلاعاتی در مورد طول، استفاده از کسر و پرانتز، پیچیدگی مسئله و... را جمع‌آوری کند، اما کسی که با صفحه‌خوان با همان معادله ریاضی تعامل دارد، تجربه بسیار متفاوتی از آن مسئله دارد. فناوری موجود معادله را بخش‌بخش می‌خواند و اجازه نمی‌دهد فرد به راحتی نگاه کاملی به معادله داشته باشد. این موضوع می‌تواند باعث ایجاد بار شناختی قابل توجهی شود، زیرا یک دانش‌آموز یا دانشجو درحالی که سعی می‌کند معادله ریاضی را حل کند، نیاز دارد که همه اطلاعات دیگر را در ذهن خود نگه دارد.

گروهی در انجمن ارزیابی شمال غربی که یک مؤسسه غیرانتفاعی در زمینه تهیه ارزیابی‌های تحصیلی برای دانش‌آموزان است، برای اینکه اطمینان حاصل کند که دانش‌آموزان دارای معلولیت‌های بینایی از ریاضیات دسترس‌پذیر بهره ببرند و در تحصیلات خود فرصت‌های برابری با هم‌کلاسی‌های بینای خود داشته باشند، تصمیم گرفت تا با این چالش مهم مقابله کند.

در طرحی که از برنامه هوش مصنوعی برای دسترس‌پذیری شرکت مایکروسافت جایزه گرفته است، انجمن ارزیابی شمال غربی قصد دارد یک ارزیابی دسترس‌پذیر بهبودیافته را برای دانش‌آموزان دبیرستانی دارای معلولیت‌های بینایی ایجاد کند. این گروه برای این کار رویکردهای متعددی را برای درک موانع جاری، به‌خصوص برای ارزیابی‌های برخط در پیش گرفته است.

^۱. Montgomery

سمت راست، جمله

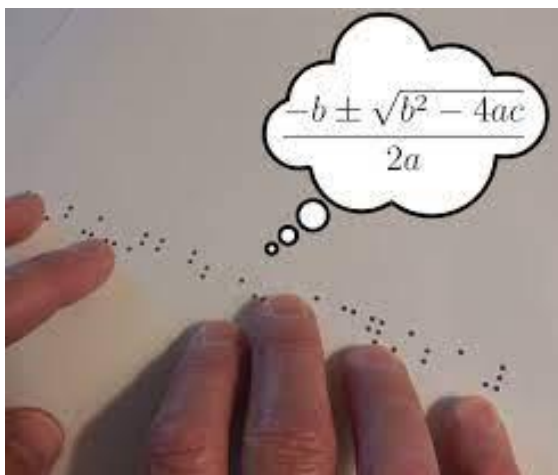
اکس

سمت راست، ثابت

منهای، سه‌چهارم

می‌بینیم که ایده این نمونه اولیه ساده است. ابتدا معادله را به صورت متنی به طور کامل داریم. سپس خطبه‌خط بخش‌های مختلف معادله را جداگانه در اختیار داریم که بررسی معادله ریاضی و حل آن را برای یک فرد نابینا یا کم‌بینا، به خصوص اگر از صفحه‌خوان استفاده می‌کند راحت‌تر می‌کند.

گام‌های بعدی انجمن ارزیابی شمال غربی، ایجاد روشی کارآمدتر برای ایجاد معادله‌های ریاضی قابل پیمایش برای دستگاه‌های فناوری کمکی متعدد و حل چالش تنوع دستگاه‌ها و مرورگرها و درعین حال اطمینان از اثربخشی و ارائه بهترین گزینه‌های دسترس‌پذیر است. گروه امید دارد که دانش‌آموزان و دانشجویان خواهند توانست از قالب‌های مختلف دسترسی مثل صفحه‌خوان‌ها، برجسته‌نگارها و درنهایت امکان استفاده از گفتار بهره ببرند.



معمولاً مجبور است به کل معادله از چپ به راست گوش دهد، اما در نمونه‌های اولیه ارائه شده، با اعمال فلسفه‌ای که پشت ریاضیات فرایندمحور قرار دارد، دانش‌آموزان یا دانشجویان در اینکه چگونه و در کدام قسمت از یک مسئله ریاضی با آن تعامل داشته باشند استقلال دارند. این موضوع بار شناختی را کاهش می‌دهد، زیرا دانش‌آموز یا دانشجو مجبور نیست به طور یک‌جا به کل معادله گوش دهد و می‌تواند بخش‌هایی را که قبلاً شنیده است رد کند. نمونه اولیه یک نمای کلی را از یک معادله، مثل وقتی که یک فرد بینا نگاهی کلی به معادله می‌اندازد، به دانش‌آموز یا دانشجوی نابینا می‌دهد و سپس به او اجازه می‌دهد بخش‌هایی از معادله را که می‌خواهد عمیق‌تر کند و کاو کند.

می‌توانید این نمونه‌های اولیه را در [این صفحه](#) و [این صفحه](#) از وبگاه انجمن ارزیابی شمال غربی به زبان انگلیسی مشاهده کنید. در زیر ترجمه فارسی نخستین نمونه اولیه را آورده‌ایم تا بتوانید آن را تجربه کنید:

معادله

۲ به علاوه، سه‌چهارم، ضرب در اکس، مساوی است با اکس منهای، سه‌چهارم

سمت چپ، ثابت و جمله

۲ به علاوه، سه‌چهارم، ضرب در اکس

سمت چپ، ثابت

۲ سمت چپ، جمله

به علاوه، سه‌چهارم، ضرب در اکس

وسط، مقایسه

مساوی است با

سمت راست، جمله و ثابت

اکس منهای، سه‌چهارم

و ایجاد زیرساخت‌های یک زندگی معمولی برای معلولان دچار عقب‌ماندگی است، متأسفانه در این حوزه نیز شاهد عقب‌ماندگی هستیم.

نکته غم‌انگیزتر این است که اگر در این زمینه هم جایی گشایشی صورت گرفته باشد، به‌جای آنکه پای دولت و به‌طور اخص وزارت ارتباطات در میان باشد، پای خود معلولان و افراد با آسیب بینایی در میان بوده است!

بی‌توجهی وزارت ارتباطات

قطعاً وزارت ارتباطات در سوق دادن جامعه به سمت ایجاد دسترس‌پذیری در فضای اینترنت سهم بالایی

دارد، اما آن را نادیده گرفته است. این وزارت‌خانه حتی برای برنامه‌نویسان یا نهادهای خصوصی که در زمینه طراحی و تولید وبگاه‌ها و نرم‌افزارهای کاربردی فعالیت دارند، اساسنامه یا ساختار قانونمندی که آنان را مقید به در نظر گرفتن نیاز شهروندان معلول کند، ارائه نکرده است و حاضر به نظارت بر فعالیت‌های این‌چنینی با هدف تأمین خواسته‌های نابینایان نیست، البته این وزارت‌خانه در دولت قبل جلساتی را با حضور شخص وزیر و با موضوع دسترس‌پذیری برای نابینایان برگزار و یک مشاور نابینایان هم از میان افراد نابینا برای وزیر انتخاب کرد، اما گذشت زمان و ادامه بی‌توجهی به این مقوله نشان داد همه این اقدام‌ها نمایشی بوده است.

فاصله برنامه‌نویس‌ها از استانداردهای جهانی

هاشم سعیدی که خود از نابینایان است، می‌گوید: وقتی صحبت از مناسب‌سازی می‌شود، همه یاد کوچه و خیابان، اتوبوس و مترو می‌افتند، درحالی‌که مناسب‌سازی فقط این نیست و شامل دسترس‌پذیری محتوای اینترنت نیز می‌شود.

او ادامه می‌دهد: در دنیا در بحث طراحی وبگاه‌ها و

دنیای اینترنت، منهای نابینایان بستر اینترنت، خانه دوم معلولان است رؤیا بابایی: خبرنگار حوزه معلولان



چندی پیش که نرم‌افزار کاربردی فیدیبو نسخه به‌روز خود را ارائه کرد، برای چند روز از دسترس خارج شد. آن موقع کمتر کسی فکر می‌کرد این اتفاق ارتباطی به نابینایان داشته باشد، اما این اتفاق واقعاً افراد با محدودیت بینایی را با چالش مواجه و منابع مطالعاتی آنان را از دسترسشان خارج کرد.

نه‌تنها عموم جامعه، بلکه بسیاری از مسئولان و مدیران هم مناسب‌سازی را فقط در اصلاح زیرساخت‌های فیزیکی شهری می‌دانند و تعریف دیگری از آن ندارند. این مسئله حتی در مورد مدیران سازمان بهزیستی و اعضای ستاد مناسب‌سازی این سازمان نیز صادق است.

این در حالی است که مناسب‌سازی علاوه بر ساخت و انطباق مبلمان شهری بر اساس نیاز افراد دارای معلولیت، بر فضاهای دیگری که فیزیکی نیستند نیز دلالت دارد. امروز دسترس‌پذیری وبگاه‌ها، سیستم‌عامل‌ها، نرم‌افزارهای کاربردی و به‌طور خلاصه هر آنچه انسان را به دنیای اینترنت و مجازی وصل می‌کند نیز از ارکان مهم مناسب‌سازی محسوب می‌شود، اما همان‌گونه که جامعه ما همواره در پیگیری

بینایی، به رشد و ارتقای این گروه کمک بسیاری می‌کند؛ چراکه هم در حوزه مسئولیت‌های اجتماعی قدمی برداشته‌اند و هم همان‌طور که یک فرد تندرست حق استفاده از هر بستر نرم‌افزاری را دارد، این حق را برای افراد نابینا زنده نگه داشته‌اند.

کفیلی تأکید می‌کند: با این تعریف می‌توان گفت آن دسته از فضاها، دیجیتال‌ها که دسترس‌پذیری را برای استفاده افراد نابینا رعایت نمی‌کنند؛ به عبارتی تضییع حقوق نابینایان را رقم می‌زنند، اما در صورت رعایت دسترس‌پذیری وبگاه‌ها، افراد با محدودیت بینایی هم مانند سایرین می‌توانند از حق و فرصت برابر بهره‌مند شوند و برای امور ساده دغدغه خاطر نداشته باشند.

او که دوره کارشناسی حقوق را در دانشگاه خوارزمی گذرانده است، می‌گوید: یکی از دستگاه‌های بسیار بزرگ کشور که کاربرد بسیاری در زندگی همه شهروندان دارد؛ به‌گونه‌ای طراحی شده است که به محض ورود کاربر به وبگاه، صفحه‌خوان دیگر حرف نمی‌زند. پشتیبانی وبگاه علت را در بستری که وبگاه در آن طراحی شده است می‌داند، اما سؤال اینجاست که چرا وبگاه دستگامی به این بزرگی باید در بستری غیر استاندارد طراحی شود و درحالی‌که زمان و هزینه برای طراحی صرف شده است، نتیجه موردنظر حاصل نشود و گروه بزرگی از شهروندان نتوانند از آن استفاده کنند؟!

کفیلی اذعان می‌کند: دانشگاه تهران قبلاً برای استفاده نابینایان خوب بود، اما الآن مشکلاتی دارد و کار با آن برای کاربران با محدودیت بینایی مانند قبل آسان نیست.

او ضعف رسانه‌ای را زیربنای بسیاری از مشکلات نابینایان می‌داند و می‌گوید: وزارت ارتباطات باید زیرساخت‌های لازم برای دسترس‌پذیری وبگاه‌های دستگاه‌های دولتی را فراهم کند و همان‌طور که با

نرم‌افزارهای کاربردی، کلیدواژه Accessibility که در ایران «دسترس‌پذیری» ترجمه شده است، وجود دارد که به استانداردهایی اشاره می‌کند که متولیان وبگاه‌ها و نرم‌افزارهای کاربردی شامل گوگل، مایکروسافت، کنسرسیوم جهانی وب و اپل که نرم‌افزارهایی را تحت سیستم عامل خودشان تولید و عرضه می‌کنند، در طراحی وبگاه و نرم‌افزار کاربردی تعریف کرده‌اند.

سعیدی مشکل موجود در ایران را آشنا بودن طراحان به این استانداردها و عدم اطلاع آنها از این مقوله بیان می‌کند و می‌گوید: طراحان ایرانی آشنایی زیادی با این استانداردها ندارند. در سال‌های گذشته حتی بزرگ‌ترین شرکت‌های طراحی وبگاه و نرم‌افزار کاربردی هم مشاور یا فرد مطلعی در حوزه دسترس‌پذیری نداشتند. امروز اگرچه اطلاعات و ارتباط این شرکت‌ها با معلولان و نابینایان بیشتر شده، اما هنوز هم نیازهای این گروه سنجیده نمی‌شود و متأسفانه شرکت‌های ایرانی گروه معلولان را حتی به چشم بازار هم نمی‌بینند تا وبگاه‌هایشان را برای به دست آوردن بازار بر مبنای نیاز این گروه طراحی کنند.

ضعف رسانه‌ای زیربنای اصلی مشکلات

محمدقاسم کفیلی، دانشجوی کارشناسی ارشد رشته حقوق در دانشگاه تهران، می‌گوید: به دلیل فقدان آموزش در سطح رسانه، بیشتر کسانی که در حوزه وبگاه و برنامه‌نویسی فعالیت می‌کنند، از مفاهیمی مانند دسترس‌پذیری اطلاع کافی ندارند و بنابراین بسیاری از سیستم‌عامل‌های مطرح، نیاز افراد نابینا و کم‌بینا را در نظر نمی‌گیرند.

او که اولین دانشجوی نابینای ایرانی است که در رشته حقوق نفت و گاز تحصیل می‌کند، ادامه می‌دهد: وبگاه‌ها، سیستم‌عامل‌ها و شرکت‌های نوآفرین با بهینه‌سازی فضای کار خود برای استفاده افراد با آسیب

نابینایان و به‌خصوص دسترسی‌های آنها در فضای اینترنتی بی‌خبر است و حتی گاهی دیده می‌شود مدیران این سازمان، مفهوم مناسب‌سازی را از دسترس‌پذیری دیجیتال جدا می‌دانند.

این سازمان بهزیستی است که باید جلوی غفلت وزارت ارتباطات در الزام تمام دستگاه‌ها به دسترس‌پذیری فضای اینترنتی خود برای نابینایان را بگیرد و به‌عنوان نماینده دولت در امور معلولان، دستگاه‌ها را به رعایت قوانین مربوط به معلولان در این حوزه و البته همه حوزه‌ها ملزم کند، اما نمی‌کند!

رضا بهرامی که از افراد با آسیب بینایی است می‌گوید: وقتی بچه‌های نابینا در فضای مجازی دچار مشکل می‌شوند، خودشان راهکار حل آن را پیدا می‌کنند.

به گفته او وقتی ویدیو از دسترس نابینایان خارج شد، این خود افراد نابینا بودند که با برقراری ارتباط با ویدیو زمینه رفع مشکل را فراهم کردند. ارتباط با اسنپ و تپسی هم برای در نظر گرفتن نیاز افراد دارای معلولیت، کار خود افراد معلول بود و بهزیستی یا بدنه دولت در این زمینه قدمی برنداشتند.

اینترنت، خانه دوم معلولان

شاید ساده‌انگارانه به نظر بیاید، اما واقعیت این است که بستر اینترنت، خانه دوم معلولان است. افراد دارای معلولیت در تمام انواع آن، در این بستر می‌توانند به راحتی خرید کنند، آموزش ببینند، مطالعه کنند، با نقاط مختلف دنیا آشنا شوند و گردشگری اینترنتی کنند، سفارش کار بگیرند، فروشگاه برخط انواع تولیدات خود را راه‌اندازی کنند و به درآمد برسند، حتی معلولان در فضای مجازی می‌توانند تجربیاتشان را به یکدیگر انتقال دهند. مشاوره پزشکی دریافت کنند و به هر چیزی که دسترسی به آن در فضای فیزیکی، به دلیل عدم مناسب‌سازی شهرها دشوار است دسترسی پیدا کنند؛ بنابراین بزرگ‌نمایی نیست اگر این

کمیت‌های نظارتی بر محتوای فضای مجازی نظارت و در صورت لزوم آن را فیلتر می‌کند، باید با راه‌اندازی کمیت‌های نظارت بر دسترس‌پذیری وبگاه‌ها، به نیاز گروه‌های دارای معلولیت نیز نظارت کند.

کفیلی می‌گوید: طبق قانون، تلویزیون وظیفه دارد در هفته پنج ساعت به مسائل معلولان بپردازد و نتیجه غفلت تلویزیون این می‌شود که نه تنها وبگاه‌های دستگاه‌ها دسترس‌پذیر نیستند، بلکه حتی از معنای دسترس‌پذیری اطلاع ندارند.

خدمات برخط بانک‌ها، غافل از گروه‌های

دارای نیاز ویژه

خانه کرمی با محدودیت کم‌بینایی بیان می‌کند: اخیراً با برخط شدن خدمات بانک‌ها، باز نابینایان و ناشنوایان در جرگه جاافتاده‌ها قرار گرفته‌اند.

کرمی ادامه می‌دهد: بسیاری از بانک‌ها به سمت خدمات اینترنتی رفته‌اند، درحالی‌که نیاز افراد نابینا را در نظر نگرفته‌اند. برخی بانک‌ها بر اساس بخش‌نامه‌های داخلی خود با دیدن چهره افراد نابینا در ویدئوی معرفی برای افتتاح حساب، هویت فرد را تأیید نمی‌کنند و این مشکلات افراد نابینا و حتی ناشنوا را مضاعف کرده است که باید تمهیدی برای رفع آن اندیشیده شود.

او می‌افزاید: جای تأسف دارد که بانک‌ها دست به ارائه خدمات برخط می‌زنند، اما جغرافیای مراجعین خود را نمی‌شناسند و نیازمندی‌های مشتریان نابینا و ناشنوای خود را پیش‌بینی نمی‌کنند!

تلاش معلولان در غفلت بهزیستی

اگرچه سازمان بهزیستی متولی امور معلولان است و بر این اساس انتظار می‌رود با تمام جوانب زندگی انواع معلولیت‌ها آشنا باشد، اما متأسفانه این چنین نیست و بهزیستی مانند بسیاری دیگر از حوزه‌ها از مشکلات

گزارشی از مراسم روز جهانی ایمنی عصای سفید در باشگاه تشریفاتی اقدسیه توسط انجمن نایبانیان ایران (بخش دوم)



اعضای شورای سیاست‌گذاری جشنواره کاما شامل: سازمان اسناد و کتابخانه ملی، نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور، سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران، خانه کتاب و ادبیات ایران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و نماینده دفتر فرهنگ معلولین از دیگر نفراتی بودند که قائم‌مقام انجمن نایبانیان ایران از حضور آنها تشکر کرد. اصحاب رسانه، دکتر صحراگرد و علیرضا مبینی از مدیران رادیو تهران و خیرانی که حاضر نیستند نامشان برده شود، از جمله افرادی بودند که مورد تجلیل مهندس منصور شادکام قرار گرفتند. قائم‌مقام انجمن نایبانیان ایران در ادامه سخنان خود خطاب به دکتر صفاری‌فرد بیان کرد: دوستان ما مطالبات زیادی دارند که سال گذشته نیز مطرح شد اما هیچ کدام از آنها محقق نشده است. آقای قادری فرد خوبی هستند اما در جایگاه رئیس سازمان بهزیستی عملکرد قابل قبولی نداشته است. سال گذشته نیز خواهش کردیم مراکز توانبخشی باید احیا شود اما متأسفانه اقدامی صورت نگرفته است. مهندس شادکام با اشاره به فعالیت‌های رودکی گفت: این مرکز از معدود مجموعه‌های دولتی چاپ بریل و کتب صوتی در کشور محسوب می‌شود که زیر نظر سازمان بهزیستی فعالیت می‌کند. متأسفانه نیروی انسانی این مرکز به

بستر را «خانه دوم معلولان» بدانیم؛ خانه‌ای که محدودیت جسمی برای تردد در آن بازدارنده نیست و هیچ فرد معلولی برای ورود به آن نیازمند چانه‌زنی و انتظار طولانی‌مدت برای رفع مشکلات شهرها نیست.

خودمان دست‌به‌کار شویم

فصل دوم قانون حمایت از معلولان بر مناسب‌سازی در همه ابعاد آن اشاره کرده و دسترس‌پذیری فناوری و منابع مناسب ارتباطی و رسانه‌ای را نیز قید کرده و چندین دستگاه را متولی اجرای آن دانسته که نام «وزارت ارتباطات و فناوری» در بین آنها است؛ بنابراین می‌توان گفت قوانین مربوط به معلولان تاکنون مورد بی‌توجهی قرار گرفته، اما آنچه اکنون مورد تأکید است، تشکیل کمیته‌ای برای اجرای مفاد قانونی مربوط با حوزه اینترنت برای معلولان، به‌ویژه نایبانیان است.

در این میان شاید به همکاری و دلسوزی سازمان بهزیستی به معنای واقعی نتوان امیدوار بود، اما لازم است انجمن‌های معلولان با برگزاری جلسه‌های هم‌فکری یا مکاتبه با مدیران دستگاه‌های مختلف، مشکلات نایبانیان و سایر معلولان و همچنین وجود قوانین مربوط به این افراد را یادآوری و خواستار تأمین نیاز این گروه شوند.



نسل‌مانا

با حضور نخبگان نابینا و نمایندگان آموزش و پرورش استثنایی و سازمان بهزیستی شدیم که توجه چندانی صورت نگرفت. در حال حاضر، هموعان ما در این آزمون قبول می‌شوند اما به علت معلولیت در گزینش رد صلاحیت می‌شوند که این برخوردها شایسته جامعه نابینایان کشور نیست. مهندس شادکام با اشاره به مراکز مثبت زندگی گفت: این مراکز از نظر ساختاری دچار چالش‌های جدی هستند اما هنوز ساماندهی نشده‌اند و مشکلات آنها همچنان در زمینه زیرساخت‌ها پابرجا است. وی ضمن تشکر از برخورد مناسب برخی از مدیران بهزیستی گفت: متأسفانه اما در برخی از استان‌ها، مدیران کل بهزیستی با دفاتر نمایندگی انجمن مانند بهزیستی استان کرمانشاه ارتباط و تعامل مثبتی ندارند. در مراسم امسال، بهزیستی استان کرمانشاه به جای آنکه مراسم بزرگ‌داشت این روز را با تنها انجمن نابینایان استان که دفتر نمایندگی انجمن نابینایان ایران است برگزار کند، این مراسم را با هیئت ورزشی انجام می‌دهد. همچنین بهزیستی این استان در طول سال برای جلسات مرتبط با نابینایان، از رئیس دفتر نمایندگی انجمن در کرمانشاه هیچگونه دعوتی انجام نمی‌دهد. از مدیران بهزیستی در استان‌ها انتظار می‌رود سطح همکاری‌های خود را با انجمن‌ها بالاتر برده و نسبت به برنامه‌های آنها بی‌توجهی نکنند. چرا که انجمن‌ها بازوی اجرایی بهزیستی محسوب می‌شوند و ظرفیت‌های بسیاری دارند که بهزیستی باید به آنها توجه داشته باشد. پرداختن به روزنامه ایران‌سپید یکی دیگر از محورهای سخنان منصور شادکام در مراسم روز جهانی نابینایان بود. وی با اشاره به تبدیل شدن این روزنامه به هفته‌نامه و چاپ بریل آن تنها در شهر تهران گفت: یکی از خواسته‌های ما احیای روزنامه ایران‌سپید به عنوان تنها روزنامه ویژه نابینایان در کشور است. روزنامه‌ای که ۲۵ سال بی‌وقفه برای نابینایان منتشر می‌شد اما مدیران انقلابی و مردمی باعث توقف انتشار آن شدند. از مدیر روزنامه ایران و وزارت ارشاد انتظار می‌رود نسبت به این موضوع بی‌تفاوت نباشند. وی به توسعه دولت الکترونیک

نسبت پنج سال پیش به یک پنجم کاهش پیدا کرده و از حدود ۶۰ نفر به ۱۰ الی ۱۲ نفر رسیده است. این امر باعث شده خدمات این مرکز با افت قابل توجهی مواجه شود. خزانه از دیگر مراکز توانبخشی مرتبط با نابینایان نیز به چنین سرنوشتی دچار شده است و فعالیت‌های آموزشی آن قابل مقایسه با سالهای اخیر نیست. لذا مراکز توانبخشی نابینایان باید با قدرت احیا شوند. از آقای قادری انتظار داریم هرگونه موانع قانونی که در این ارتباط وجود دارد با رایزنی‌های صورت گرفته از جمله بحث چارت نیروی انسانی از پیش روی برداشته شود. قانون حمایت از حقوق افراد دارای معلولیت و عدم اجرای آن در سال‌های اخیر، یکی دیگر از انتقادات قائم‌مقام انجمن نابینایان ایران بود. ایشان در این ارتباط گفت: قانونی که برای تحقق اجرای آن ۸۰ هزار میلیارد تومان بودجه نیاز دارد کمتر از ۱۲ هزار میلیارد تومان بودجه در نظر گرفته می‌شود و مبالغ بسیار کمتری در نهایت تخصیص می‌یابد، چگونه می‌توان انتظار داشت مواد مختلف این قانون در نهایت اجرا شود. وی ضمن اشاره به حفظ کرامت انسانی نابینایان گفت: تا کی باید اعضای جامعه هدف ما برای تأمین معاش خود در خیابان‌ها پرسه بزنند و برای پیدا کردن شغل، دنبال این سازمان و آن نهاد باشند؟ یکی از این اقشار دست فروشان هستند که از شهرداری انتظار می‌رود آنها را سازماندهی کرده و یک مکان مشخص برای این عزیزان نیز در نظر بگیرد. تا چه زمانی باید شاهد درگیری این قشر زحمت‌کش با مأموران شهرداری باشیم. منصور شادکام در ادامه سخنان خود با اشاره به کند شدن روند مناسب‌سازی گفت: شهرداری و سایر سازمان‌ها باید پاسخ دهند چرا در سالهای اخیر شاهد کاهش توجه به بحث مناسب‌سازی مبلمان شهری هستیم.

قائم‌مقام انجمن نابینایان ایران با اشاره به مسئله استخدام نابینایان در وزارت آموزش و پرورش گفت: پیش‌تر به مسئولان گوشزد کردیم قوانین استخدامی در این ارتباط تغییر کرده است و خواستار برگزاری جلسه‌ای

کنار نایب‌نایان گفت: وظیفه ما خدمت به این جامعه است و اگر در این زمینه کاری انجام می‌دهیم جزء عشق و ارادت به جامعه نایب‌نایان نیست. وی به آخرین ساخته خود یعنی فیلم ساعت ۸ صبح اشاره کرد و از مجری نایب‌نای برنامه پرسید چرا به نایب‌نایان نباید واژه روش‌سند را اطلاق کرد که مجری برنامه به ایشان توضیح داد در دهه ۳۰ و ۴۰ شمسی دکتر خزائی به علت آنکه مردم از واژه کور برای نایب‌نایان استفاده نکنند واژه روش‌سند را رواج داد. اما این واژه نمی‌تواند شرح حال درستی از یک فرد با آسیب بینایی باشد. بهترین معرفی برای معلولان با آسیب بینایی، همان نام بردن از واژه افراد نابینا و کم‌بینا است و این امر باید فرهنگ‌سازی شود.



در بخش پایانی این مراسم، از برخی دبیران فعال کانون مناطق شهرداری تهران، مدیران دفاتر نمایندگی انجمن نایب‌نایان ایران در استان‌ها و برخی از همکاران انجمن تقدیر شد. امیر توکلی دبیر کانون معلولان منطقه ۴، مهین زورقی دبیر کانون معلولان منطقه ۷، زهره کاوه‌ای دبیر کانون معلولان منطقه ۱۴، زهره آستاب دبیر کانون معلولان منطقه ۱۰، محمد نصیری از فرهیخته‌گان جامعه نایب‌نایان، سهیل معینی مدیرعامل انجمن باور و مدیر شبکه چاووش، عبدالمناف عظیمی رئیس دفتر نمایندگی انجمن نایب‌نایان ایران در استان آذربایجان غربی، شهرزاد محمدزاده رئیس دفتر نمایندگی انجمن نایب‌نایان ایران و مسئول کتابخانه دیجیتال گویا نایب‌نایان و کم‌بینایان در استان خراسان جنوبی، پیمان رضایی‌زاده

اشاره کرد و بیان داشت: دولت‌مردان همواره از گسترش دولت الکترونیک سخن می‌گویند، این در حالی است که بسیاری از فرایندهای سازمان بهزیستی همچنان به صورت دستی و حضوری صورت می‌گیرد. چرا باید فرد نابینا با وضعیتی که پیاده‌روهای ما دارند چندین ساعت به خاطر یک اقدام ساده به شعب بهزیستی مراجعه کند؟ مهندس شادکام در ادامه به مسائل معیشتی افراد نابینا و کم‌بینا اشاره کرد و افزود: مگر می‌توان با مستمری حدود ۷۰۰ هزار تومانی زندگی کرد؟ این در حالی است که نظارتی هم بر روی این مسئله وجود ندارد و شاهد بی‌عدالتی در پرداخت مستمری‌ها به افراد دارای معلولیت هستیم. هنوز بسیاری از افراد هستند که وارد چرخه پرداخت مستمری از سوی بهزیستی نشده‌اند. از رئیس جمهور محترم که با شعار حمایت از اقشار آسیب‌پذیر بر روی کار آمدند و همواره خود را یک مدیر جهادی و انقلابی معرفی می‌کنند، انتظار می‌رود نسبت به مسائل معیشتی اعضای جامعه هدف توجه داشته باشند و اقدامات آنها صرفاً شعاری نباشد.



علی لهراسبی با اجرای دو آهنگ پاپ یکی دیگر از بخش‌های ویژه برنامه روز جهانی نایب‌نایان را بر عهده داشت. او در این مراسم ابراز خوشحالی کرد که در این روز خاص، در کنار نایب‌نایان قرار دارد. در ادامه این نشست صمیمی، منوچهر هادی، سید علی صالحی، پویا امینی و هومن جوادی از کارگردانان، بازیگران و خوانندگان مطرح کشور روی سن آمدند.

پدرام کریمی از مجریان برنامه با آنها به گفت‌وگو نشست. منوچهر هادی ضمن ابراز رضایت از بودن در

مشاغل از نگاه سم سیوی گردآوری و ترجمه: میرهادی ناینی‌زاده



توی این قسمت هم قراره با یکی از نابیناهایی هم کلام بشم که برای خودش یه شغل خوب داره؛ می‌خوام ببینم چطوری کاراش رو انجام می‌ده و البته هدفم اینه که یه جورایی به الگوی خوب برای شما مخاطب‌های نابینا معرفی کنم. امروز من یه مهمون دارم که خیلی چیزی درباره‌ش نمی‌دونم. ازش می‌خوام خودش رو برامون معرفی کنه.

- اسم من امیلی مت کالدن است و اسم هنری من هم هِرمانیای آبی. کار من حول و حوش انواع هنر می‌چرخه. توی زمینه‌های خوداشتغالی هم فعالیت می‌کنم.

- برام دربارهٔ مقدار و حالت بیناییت بگو!

- اگه بخوام در این باره حرف بزنم، می‌تونم بگم که بینایی من عین یه دوربین تنظیم نشده می‌مونه.

- تو یه اشارهٔ کوچیک به شغلت کردی. می‌شه بیشتر برامون توضیح بدی توی کدوم هنر بیشتر فعالیت داری؟ از کدوم وسایل هنری بیشتر استفاده می‌کنی؟

- این روزها من بیشتر از رنگای اکریلیک استفاده می‌کنم، البته نقاشی با آبرنگ هم انجام می‌دم که اونم جای کار خودش رو داره. یکی دیگه از کارایی که انجام می‌دم، آرایشیه که یه جورایی کار هنری محسوب می‌شه.

- من هیچ‌وقت یه نقاش حرفه‌ای نشدم و تو حتماً از من موفق‌تر بودی توی کارت. تو گفتی دیدت مثل یه

مسئول کتابخانه دیجیتال گویا نابینایان و کم‌بینایان در استان کرمان، اسمعیل مریدی‌زاده رئیس دفتر نمایندگی انجمن نابینایان ایران در استان لرستان، مجتبی ناطوری‌زاده رئیس دفتر نمایندگی انجمن نابینایان ایران و مسئول کتابخانه دیجیتال گویا نابینایان و کم‌بینایان در استان بوشهر، سجاد سنجری رئیس دفتر نمایندگی انجمن نابینایان در استان کرمانشاه، سعیده عالیچناب رئیس دفتر نمایندگی انجمن نابینایان در استان خراسان رضوی-شهرستان خواف، امید هاشمی مشاور پروژه‌های فرهنگی و از کنشگران حوزه دسترس‌پذیری برای نابینایان و اعظم چلوی مدیر شبکه‌های اجتماعی انجمن نابینایان ایران در فضای مجازی، از جمله نفراتی بودند که در این مراسم با اعطای لوح تقدیر و هدایایی از آنها قدردانی شد.

در پایان این نشست نیز محورهای بیانیه انجمن نابینایان ایران به مناسبت روز جهانی ایمنی عصای سفید توسط امیر سرمدی عضو هیئت مدیره انجمن اعلام شد. پایان دادن به انتصابات بی‌ضابطه توسط دولت در ارتباط با مدیران نهادهای مرتبط با نابینایان، اجرای بی‌قید و شرط قانون حمایت از حقوق افراد دارای معلولیت، ایجاد یک جایگاه مشخص برای حمایت از دانشجویان نابینا در وزارت علوم، رسیدگی به چرایی افت تحصیلی از دانش‌آموزان نابینا در سازمان آموزش و پرورش استثنایی، ایجاد یک تحول ساختاری در سازمان بهزیستی کشور به منظور رفع نارضایتی از میان اعضای جامعه هدف تحت پوشش و برگزاری مجمع انتخاباتی شبکه ملی نابینایان ایران (شمنا) برای انتخاب افراد اصلح برای مدیریت این شبکه از جمله محورهای بیانیه انجمن نابینایان ایران به مناسبت روز جهانی نابینایان بود.

این مراسم، ساعت ۱۳:۳۰ دقیقه ظهر با صرف ناهار و پذیرایی از مهمانان به پایان رسید

می‌دونم که همیشه هر جا که بتونم از ش یاد می‌کنم.

- امیلی! بهم بگو از چه وسایلی برای کارای هنری و آرایشیت استفاده می‌کنی؟

- خیلی سؤال خوبی! راستش من خیلی از وسایل زیادی استفاده نمی‌کنم. من از محصولات آیفون و مک‌بوکم بیشترین استفاده رو می‌کنم. مهم‌ترین کاری که باید بکنم اینه که وقتی عکس می‌گیرم، بتونم روی عکسم زوم کنم و بهترین استفاده رو ازش داشته باشم.

- تو توی کارای هنریت بیشتر دوست داری به جزئیات توجه کنی یا از مقیاس‌های بزرگ‌تر استفاده کنی؟

- یه جورایی ترکیب این دو تا می‌شه سم! من خودم خیلی دوست دارم به جزئیات بیشتر توجه کنم، ولی همیشه اون‌طور که می‌خوام تصویرش برام ساخته نمی‌شه و اون‌طور که دلم می‌خواد نمی‌تونم تصویرپردازی کنم، اما خیلی وقتا مخاطب‌هام می‌گن توی کارای تو جزئیات خیلی خوب به تصویر دراومدن.

- تو تا حالا تجربه هنر دیجیتال داشتی؟

- تا حالا هیچ‌وقت تجربه‌ش نکردم، ولی فکر می‌کنم زوم کردن عکسا و کار کردن باهاشون توی هنر دیجیتال خیلی‌خیلی آسون‌تر از کاریه که من دارم می‌کنم.

- من پارسال کریسمس برای دخترم یه مداد اپل خریدم و وقتی خودم با مختصر دیدی که دارم باهاش کار کردم، حس کردم خیلی می‌تونه فوق‌العاده باشه. من با سیستم کامپیوتر استودیویی مایکروسافت کار کردم و توصیه می‌کنم تو هم حتماً امتحانش کنی.

- حتماً! فکر می‌کنم به تجربه‌ش می‌ارزه که این کارو هم بکنم و ببینم چه فرقای با کار من داره.

- خیلی مصاحبه خوبی بود، فکر کنم هر چی می‌خواستم رو پرسیدم. مرسی که توی این برنامه بودی!

دوربین تنظیم نشده می‌مونه و خب! دید مرکزی هم اون‌طور که باید، نداری. برام از مشکلاتی که در کارت داری... از این نظر حرف بزن!

- من به همین علت و تا حد زیادی به خاطر صبری که ندارم، رفتم سراغ رنگ اکریلیک که زودتر خشک می‌شه و من می‌تونم کار رو بهتر ببینم.

- بذار یه کم به بحث آرایش وارد بشیم. تو برای این کار آموزش خاصی باید می‌دید؟

- می‌دونی سم؟! من از همون بچگی عاشق کارای این‌طوری بودم. وقتی خانواده یا اعضای فامیل آرایش می‌کردن، بهشون نزدیک می‌شدم و اونا رو تا جایی که می‌شد تماشا می‌کردم. بعد سعی کردم خودم با دیدن چیزایی که توی اینترننت هست یه کم یاد بگیرم و درنهایت باید بگم برای کار مو، صورت و پوست رفتن کالج آرایشگری و دوره‌های مختصری دیدم، ولی اصل کار رو خودم کردم و سعی کردم معلم خودم باشم.

- چند وقته که آرایشگری می‌کنی؟

- من کارم رو از سال ۲۰۱۴ شروع کردم. اون موقع من تو بوستون بودم و از وقتی برگشتم نیویورک هم به کارم ادامه دادم.

- می‌شه بهم بگی با چه مدل آدمایی کار کردی؟ تو توی ایمیلایی که باهم رد و بدل کردیم گفتی که با یه سری از موزیسین‌ها هم کار کردی؟

- آره! من تو یکی دو تا ویدئوکلیپی که برای خواننده‌ها ساخته شده بود حضور داشتم. فک نمی‌کنم بشه اسمشون رو بیارم، چون حالت تبلیغ پیدا می‌کنه.

- دقیقاً همین‌طوره امیلی! خب! ولی می‌تونم بگم کار هیجان‌انگیزی می‌تونه باشه.

- صددرصد. خیلی جذاب بود که به‌عنوان یه هنرمند توی همچین کاری هم وارد شدم و این رو یکی از کارایی

قانون عصای سفید

نگین حیدری: کنشگر حوزه حقوق معلولان

او در مورد ضمانت اجرای قانون عصای سفید، ضمن بیان تکلیف رانندگان متخلف به پرداخت جریمه نقدی، به کافی نبودن این جریمه و عملی نبودن آن در بسیاری مکان‌ها، به دلیل نبودن مأمورین پلیس برای نظارت و دوربین‌های ثبت تخلفات رانندگان خاطی، اشاره می‌کند و می‌گوید: فرد نابینایی که با عصای سفید در حال عبور از معابر و خیابان‌هاست، باید شرایط قانونی مربوط را رعایت کند و رانندگان در صورت نقض قانون و توقف نکردن در مقابل عصای سفید فرد نابینا که حکم چراغ‌قرمز را دارد، علاوه بر جریمه نقدی، به صورت قانونی مسئول جبران خسارات وارده به فرد نابینا هستند، البته بسیاری از رانندگان به دلیل آگاهی از این قانون یا تعهد اخلاقی و احترام به حقوق شهروندی، هنگام نزدیک شدن به فرد نابینایی که با عصای سفید تردد می‌کند، از سرعت خود کم و توقف می‌کنند.

علاقه‌مندان به آشنایی با قانون عصای سفید و ضمانت اجرای آن می‌توانند مشروح این گفتگو را از طریق پادکست ضمیمه که از طریق وبگاه و کانال‌های نسل مانا قابل دریافت است، دنبال کنند.



در سومین شماره از مجموعه معلولان و قوانین ایران به مناسبت روز جهانی عصای سفید، در ۱۵ اکتبر، برابر با ۲۳ مهرماه، با دکتر ناصر سرگران، حقوق‌دان و کنشگر حوزه حقوق معلولان، در خصوص قانون عصای سفید به گفتگو نشستیم. مهمان این شماره به بیان توضیحاتی در مورد پیشینه استفاده از عصای سفید و کاربرد آن برای اولین بار در سال ۱۹۲۱، توسط یک فرد انگلیسی و چگونگی نام‌گذاری و گاه‌شماری روز جهانی نابینایان از سوی یونسکو، سازمان علمی فرهنگی اجتماعی سازمان ملل متحد، می‌پردازد. همچنین مفهوم قانون عصای سفید، کاربرد این قانون در هنگام تردد نابینایان با عصای سفید در معابر و هنگام عبور از خیابان‌ها و مسئولیت رانندگان در خصوص این قانون را بیان می‌کند و اینکه فرد نابینا و کم‌بینا با در دست داشتن عصای سفید، در چه مکان‌ها و با چه شرایطی مشمول این قانون می‌شود و در چه مکان‌هایی نمی‌تواند از این قانون استفاده کند.

دکتر سرگران در ادامه، در خصوص مستندات قانونی قانون عصای سفید، ضمن اشاره به مواد ۳، ۱۹ و ۲۰ کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت و تبصره مواد ۱۲۹ و ۱۳۰ آیین‌نامه راهنمایی و رانندگی، این مواد و تکالیف نابینایان و رانندگان در این زمینه را بیان می‌کند.

نفع خود مصادره می‌کنند؛ بنابراین اشخاص نابینا و کم‌بینا باید تلاش کنند تا برای کاهش عارضه معلولیت، با دیگران شبکه‌های ارتباطی بسازند و با تلاش خود کاری کنند که جامعه نتواند توانمندی‌های آنها را ندیده بگیرد. انگیزه و هدف نخستین عامل کلیدی برای شکل‌گیری تعامل مؤثر اجتماعی است. افراد با آسیب بینایی به یادگیری آگاهانه مهارت‌های ارتباطی نیاز دارند، چون نمی‌توانند صرفاً با دیدن، از دیگران تقلید کنند. این افراد باید با حمایت اطرافیان، فعالانه، برای رفع موانع ارتباطی موجود اقدام کنند و نمی‌توانند منتظر پیش‌قدم شدن دیگران بمانند.

مؤلفه‌های مؤثر بر روابط بین‌فردی

فرد با آسیب بینایی باید مهارت‌های ارتباطی خود را به شیوه‌های مختلف تقویت کند. این شیوه‌ها شامل تعامل رودررو، مکالمه‌های تلفنی، مکاتبات و ارتباط دیجیتال مانند ایمیل و رسانه‌های اجتماعی هستند، البته این گروه در این رابطه، باید حواسشان به تفاوت و ضرورت در چگونگی برقراری ارتباط باشد. در ادامه به مؤلفه‌های تأثیرگذار در روابط افراد نابینا و کم‌بینا می‌پردازیم.

ارتباط کلامی از طریق زبان گفتاری

معمولاً افراد با آسیب بینایی، حافظه شنیداری خوب و گفتار شیوایی دارند، اما باید توجه داشته باشند که زیاده‌گو و متکلم‌وحده نشوند، هر سکوتی را با کلماتشان پر نکنند، هم شنونده فعالی باشند و هم گوینده‌ای خوب، به فهم و حوصله مخاطب دقت کنند، دانش عمومی و تخصصی خود را بالا ببرند، موقعیت‌شناس باشند و از صدای گفتاری قوی و مطمئن بهره ببرند.

ارتباط غیرکلامی از طریق زبان بدن و حالت

چهره

نابینایان و کم‌بینایان چون نمی‌توانند زبان بدن و حالت چهره دیگران را ببینند و بازخورد لازم را از اطراف دریافت کنند، در این زمینه با تأخیر رشدی مواجه هستند. این محدودیت‌ها از نوزادی شروع می‌شود و در برقراری

اتحاد مورچه‌ها در برابر سیلاب (نقش

مهارت‌های ارتباطی در زندگی افراد

نابینا و کم‌بینا)

مسعود طاهریان: مددکار مؤسسه حمایت از

بیماران چشمی آرپی



مهارت‌های ارتباطی چیست؟

مهارت‌های ارتباطی توانایی‌هایی هستند که برای ارائه و دریافت اطلاعات به آنها نیاز داریم و برقراری ارتباط واضح، مؤثر و کارآمد را ممکن می‌کنند. این مهارت‌ها برای همه جنبه‌های زندگی شخصی، شغلی، خانوادگی و... سودمند هستند، در پذیرش و مقبولیت اجتماعی نقش دارند و از سوءتفاهم‌های مکرر و ناامیدی جلوگیری می‌کنند. افراد نابینا و کم‌بینا باید به مهارت‌های ارتباطی خود توجه کنند تا با دیگران بهتر تعامل داشته باشند. می‌توان این مهارت‌ها را به چهار دسته اصلی دریافت پیام، انتقال اطلاعات، مشاهده و همدلی تقسیم کرد.

اهمیت مهارت‌های ارتباطی

افراد با آسیب بینایی ناتوانی‌ها و نواقص دیداری دارند که ممکن است مشارکت آنها را در جامعه مختل کند. معلولیت آنها به شرایط اجتماعی و محیطی بستگی دارد. جامعه باید هر شخص را با توجه به توانایی‌ها و ناتوانی‌هایش بپذیرد، ولی در شرایط بی‌رحمانه کنونی، درصدی از بقای اصلح وجود دارد و افراد توانا منابع را به

نابینایان و کم‌بینایان به دلیل دسترسی محدود به منابع خواندنی مانند کتاب و نشریه، ممکن است اشکال‌های نوشتاری، نگارشی و تلفظی داشته باشند. برای رفع این اشکال‌ها، مطالعه، ترجیحاً به خط بریل توصیه می‌شود. همچنین آنها چندان با نمادها و شکلک‌های بصری که در شبکه‌های اجتماعی استفاده می‌شود، آشنا نیستند و برای یادگیری معنی و استفاده از این موارد، باید از دیگران کمک بخواهند؛ با این حال با پیشرفت نرم‌افزارهای توان‌بخشی مانند صفحه‌خوان و نویسه‌خوان نوری، ارتباط نوشتاری از طریق کامپیوتر و گوشی همراه برای آنها آسان شده است.

ارتباط دیداری از طریق تصاویر، آثار هنری، طرح‌ها و نمودارها

هنرمندان نابینا و کم‌بینا با محدودیت بینایی در زمینه‌های هنری مختلف فعالیت می‌کنند و دسترسی مخاطبان با آسیب بینایی به آثار هنری دیداری هنوز کافی نیست. این مسئله باعث می‌شود که دنیای فکری و ارتباطات آنها با بینایان متفاوت باشد. در مقابل درگیری هرچه بیشتر با تولیدات هنری، ادبی و فرهنگی برای این افراد بستر آموزش تمامی مهارت‌های ارتباطی و اجتماعی را فراهم می‌سازد. برای رفع این مشکل، می‌توان از راه‌های زیر استفاده کرد:

- اطلاع‌یافتن و بهره‌گیری از خدمات نهادهای حمایتی در حوزه مناسب‌سازی آثار هنری دیداری
- درخواست توضیح از اطرافیان درباره آثار هنری
- استفاده از نرم‌افزارهای توان‌بخشی برای تفسیر طرح‌ها و نمودارها از طریق تبدیل ویژگی‌های دیداری به توضیحات عددی و صوتی

گوش دادن فعال

گوش دادن فعال یعنی توجه دقیق به گوینده که باعث افزایش درک و احترام می‌شود. نابینایان و کم‌بینایان برای گوش دادن فعال، می‌توانند از راه‌های زیر استفاده کنند:

ارتباطات غیرکلامی بزرگ‌سالی تأثیر منفی می‌گذارد؛ برای مثال گاهی اوقات راه رفتن، ایستادن و نشستن این افراد طبیعی نیست، حرکات‌های دست و پایشان ناموزون و نامتجانس است، سرشان را به حالت پایین افتاده یا مایل به یک طرف نگه می‌دارند، در گفتگو تماس چشمی ندارند، در انجام حالت‌های پیچیده، ارادی و فرهنگی چهره مانند اخم کردن، چشمک زدن و خندیدن ناپخته عمل می‌کنند، نسبت به زبان اشاره مرسوم بی‌اطلاع هستند، شانه‌هایشان منقبض یا افتاده است و قوز گردن یا کمر دارند.

متولیان آموزش و توان‌بخشی، بستگان و دوستان می‌توانند برای آموزش و توان‌بخشی افراد نابینا و کم‌بینا در زمینه زبان بدن و حالت چهره، از روش‌های زیر استفاده کنند:

- یادآوری و اصلاح گفتاری و فیزیکی رفتارهای غیرکلامی
- فراهم کردن فرصت الگوبرداری از لمس افراد زنده
- ارائه ماکت و طرح برجسته برای تجسم
- تولید محتوای نوشتاری و صوتی برای آموزش مستقیم یا غیرمستقیم
- این روش‌ها باعث می‌شود که نابینایان و کم‌بینایان:
 - به وضعیت فیزیکی خود حساس شوند.
 - در مورد ارتباط‌های غیرکلامی آگاه شوند و به‌عمد از آنها استفاده کنند.
 - درباره حالت‌های بدنی و چهره اطلاعات کسب کنند و از آنها در روابطشان بهره ببرند.

ارتباط نوشتاری از طریق زبان نوشتاری، نمادها، شکلک‌ها و اعداد



نیستند؛ برای مثال بد غذا می‌خورند، پوشش و ظاهرشان مرتب و متناسب نیست، حریم افراد را زیر پا می‌گذارند و به بهانه شناسایی آنها را دست‌مالی می‌کنند، بلندتر یا آرام‌تر حد معمول حرف می‌زنند و در تعامل رودررو، دورتر یا نزدیک‌تر می‌ایستند. با توجه به موارد گفته‌شده، گاهی افراد نابینا و کم‌بینا حضور کارآمدی در فعالیت‌های جمعی ندارند و اعضای بینای جامعه هم نمی‌خواهند با آنها ارتباط برقرار کنند؛ بنابراین در قدم اول، اطرافیان این افراد باید دغدغه رعایت اصول اجتماعی و ترس از طردشدن را در آنها ایجاد کنند. همچنین والدین باید از همان نوپایی سهل‌گیری را کنار بگذارند و از طریق تذکر کلامی و مداخله فیزیکی، رفتارهای اجتماعی را به فرزندان نابینا و کم‌بینایشان یاد بدهند. در مدرسه باید آموزگاران کلاس، مسئولان توان‌بخشی و مربیان پرورشی، بدون اغماض، حواسشان به آموزش مهارت‌های زندگی و رعایت اصول اجتماعی توسط دانش‌آموزان با آسیب‌بینایی باشد؛ علاوه بر این برای جلوگیری از دست‌مالی‌های بی‌مورد، اطرافیان باید حس کنجکاوی این افراد را با دادن توضیحات کلامی یا اجازه کاوش محیطی ارضا نمایند. همچنین باید متولیان امر مانند سازمان بهزیستی، آموزش و پرورش استثنایی و سازمان‌های مردم‌نهاد محتواهای آموزشی تولید کنند تا این افراد با انواع مهارت‌های ارتباطی و اجتماعی آشنا شوند. خوب است این افراد در بزرگسالی از اطرافیان نزدیک خود مانند بستگان یا دوستان درباره چگونگی رفتارها و آداب اجتماعی پرس‌وجو کنند و بخواهند تا باهم بیرون بروند و در فضاهای جمعی و اجتماعی به آنها تذکرهای لازم را بدهند. برای این افراد انجام فعالیت‌های داوطلبانه و شرکت کردن در گروه‌های مختلف هم بسیار مفید است؛ چراکه هر حضور و مشارکت اجتماعی فرصتی ناب برای اجتماعی شدن در اختیار آنها قرار می‌دهد.



- نگاه کردن به سمت دهان گوینده برای ایجاد حس تماس چشمی
- دوری کردن از آنچه سبب حواس‌پرتی می‌شود، مانند صدای صفحه‌خوان
- تشخیص حالت‌های هیجانی و زبان بدن گوینده از طریق نشانه‌های حرکتی و علایم صوتی
- تمرکز کردن روی صحبت‌های گوینده و چگونگی بیان آن
- پرسیدن سؤال یا بیان آنچه شنیده‌اند برای روشن کردن مطالب

اجتماعی شدن



نابینایان و کم‌بینایان به دلیل فقدان یادگیری مشاهده‌ای، ممکن است در فرایند اجتماعی شدن دچار نقایصی باشند و ندانند که در شرایط مختلف اجتماعی باید چه کاری انجام دهند. از سوی دیگر چون نمی‌توانند تمام محرک‌های محیطی را درک کنند، همدلی و هم‌نوایی اجتماعی کمتری از خود نشان می‌دهند؛ چراکه به‌موقع متوجه رخدادهای بیرونی نمی‌شوند؛ بنابراین واکنش و احساسات هماهنگ با فضا در آنها دیده نمی‌شود و رفتارهای نامتعارف اجتماعی انجام می‌دهند. در برخی از موارد هم آداب مرسوم را به‌درستی رعایت نمی‌کنند و متوجه بازخوردهای غیرکلامی سایرین

رفتارهای تکراری و کلیشه‌ای

افراد با آسیب بینایی اغلب رفتارهای تکراری و کلیشه‌ای از خود نشان می‌دهند که نوعی تحریک را برای آنان فراهم می‌کند و آنها را هشیار و بیدار نگه می‌دارد. این رفتارها به قدری رایج‌اند که به آنها برچسب رفتارهای نابینایی داده شده است؛ برای مثال فشردن چشم، تکان دادن سر، چرخش به دور خود، تکان خوردن پاندولی، ضربه زدن با پاها، بازی کردن مداوم با انگشتان، ضرب گرفتن روی سطوح، خم کردن سر و حرکات مشابه. این عادت‌های ناپسند باعث می‌شود که محبوبیت اجتماعی این افراد کاهش یابد و در روابط بین فردی زیان ببینند. باید این عادت‌ها با کمک فنون اصلاح رفتار خاموش شوند. خانواده‌ها، مربیان و متخصصان توان‌بخشی می‌توانند از تذکر فیزیکی و یادآوری کلامی مانند «دست‌هایت کجاست؟» یا «چطور ایستاده‌ای؟» استفاده کنند تا وضعیت، رفتار و تحریک مناسب جایگزین شود. نکته قابل توجه اینکه این گروه در زمان بیکاری، چنین رفتارهایی را بیشتر انجام می‌دهند. پس حواس‌پرتی و مشغول شدن به انجام فعالیت‌های مختلف جامعه‌پسند راه دیگری برای مبارزه با این اقدام‌ها است. ایجاد کردن شرایط ناخوشایند هنگام بروز رفتار نامطلوب و تشویق رفتارهای متفاوت، فن دیگری برای اصلاح اطوارهای کلیشه‌ای است. درکل افراد نابینا و کم‌بینا به فعالیت‌های جسمانی مثل دویدن، پریدن و کوه‌نوردی نیاز دارند و می‌توانند بسته به توانایی‌های فردی و ایمنی محیط و در صورت نیاز با ایجاد تغییر، در این فعالیت‌ها شرکت کنند که باعث رفع بسیاری از مشکلات اسکلتی، عضلانی و رفتارهای نامناسب خودتحریکی‌شان می‌شود.

موضوعات بالا در در یک فایل صوتی هم به تفصیل مورد واکاوی قرار داده‌ایم. شما می‌توانید این فایل صوتی را ذیل همین نوشته در وبسایت و شبکه‌های اجتماعی نسل مانا بارگیری کنید.

به قلم شما

سردبیر



قطعه شعر سپیدی که پیش رو دارید، سروده جناب آقای «موسی عصمتی»، شاعر نام‌آشنا و خوش‌قریحه نابینای خراسانی است. عصمتی این شعر را به مناسبت روز جهانی ایمنی عصای سفید، برای انتشار در اختیار ماهنامه نسل مانا قرار داده است. از داشتن چنین خوانندگان و همراهانی به خود می‌بالیم و از ایشان به‌خاطر این تحفه گران‌سنگ، سپاس‌گزاریم.

محکوم

در جاده‌ای تاریک

با ستارگانی خاموش

محکومم

که عینک دودی بزنم

و عصایی به دست بگیرم

تا

پانزده اکتبر هر سال

روزنامه‌ها مرا

با خطی برجسته بنویسند

محکومم

که عقاب‌های چشمانم

به لانه برنگشته باشند

و گنجشکان

در جای خالی آنها

تخم بگذارند

و مرثیه بخوانند

دو بار
«کوری؟»
مگر نمی‌بینی؟»
را لبخند بزدم
محکومم
روزه سکوت بگیرند
بعضی‌ها
وقتی از کنارم می‌گذرند
و
در فلکۀ راهنمایی^۱
سؤال‌هایم
از رهگذران عجول
به مقصدی نرسد
محکومم
چهره مادرم را
از یاد برده باشم
و عکس معصوم دختر کانم
از آلبوم خاطراتم
برداشته شده باشد
و من
محکومم
که محکوم بمانم
بی هیچ تجدیدنظری
به جرمی که نمی‌دانم
و به گناهی که...

موسی عصمتی

برای پرهایی که ریخته است
برای عقاب‌هایی که دیگر نیست
محکومم
به چاله‌های شهرداری
با دست و پای زخمی
در نزدیکی خیابانی
که از چاه‌های عمیق شهردار
رونمایی می‌شود
محکومم
به سرشکستگی
در مقابل داریست‌ها
وقتی راه... که نه!
دار مرا بسته‌اند
و من
با سیلی داریست‌ها
صورت‌م را سرخ می‌کنم
محکومم
به عصایی که سفید است
و حال اژدها شدن ندارد
و گاهی
درگذر از جویی حقیر
روسیاه می‌ماند
محکومم
به ایستادن طولانی
کنار خیابان
وقتی که عجله‌ام
زیر سر هیچ شیطنانی نیست
محکومم
دوچرخه توی پیاده‌رو را
جعبه جلوی مغازه را
تنه بزدم
بیندازم
دو بار عذر بخواهم

۱. نام میدانی در شهر مشهد

احمد رضا در آینه منابع

محمد نوری: پژوهشگر حوزه افراد دارای معلولیت



در شماره پیش، نخستین گزارشی که در مطبوعات سال‌های پایانی دهه بیست و ششمی درباره تألیفات احمد رضا منتشر شده بود را از نظر گذرانیدیم. در ادامه، به نقل و

نقد دومین نمونه از این دست گزارش‌ها می‌پردازیم.

گزارش دوم را خان‌بابا مشار (۱۲۷۹ - ۱۳۵۹) در کتاب **مؤلفین کتب چاپی** درباره احمد و کتاب **اثری از بی‌بصری** منتشر کرد. متن این گزارش این‌گونه است:

«احمد رضا: این شخص اگرچه بدبختانه از نعمت بینایی محروم مانده، ولی در عوض از حسن قریحه و هوش و ذكاء و فطنت و حافظه سرمایه‌آفر دارد و به مدد همین، اوراق (اثری از بی‌بصری) تأثرآور را گرد آورده و به خواننده بآبصر تقدیم داشته تا شاید به‌موجب بصیرتی ایشان فراهم آید (مجله یادگار، سال ۵ شماره ۸ و ۹، ص ۱۶۰)».

«۱ - اثری از بی‌بصری: طهران، ۱۳۲۸ ش، رقی، ۱۲۴ ص»

ان‌بابا مشار چند عنوان کتاب در فهرست کتاب‌ها و معرفی مؤلفین دارد. او این گزارش را در کتاب مؤلفین کتب چاپی (ج ۱: ۳۹۲) آورده است. مشار این کتاب را به‌منظور معرفی نویسندگان به مردم آن زمان و نسل‌های بعد تدوین و در سال ۱۳۴۰ منتشر کرد؛

بنابراین گزارش دوم درباره احمد، دوازده سال بعد از گزارش اول منتشر شده است.

مشار این گزارش را از مجله «یادگار» گرفته و به آن مجله هم ارجاع داده است، اما نمی‌توان اهمیت کار مشار را نادیده گرفت، چون برای اولین بار اسم احمد به‌عنوان نویسنده و اسم کتابش را در یک فهرست مرجع آورده و همین اقدام موجب ابدی شدن احمد شده است.

مشار می‌توانست به کتاب مراجعه کند و گزارش بهتری بنویسد، ولی اینکه چرا مراجعه نکرده، عجیب است! باینکه احمد در کتابش اسامی آثارش را نوشته، ولی مشار چون خود کتاب احمد را ندیده بود، فقط یک اثر از احمد معرفی کرده است و متأسفانه عین همان اشکال‌هایی که در متن گزارش مجله یادگار هست، در گزارش مشار تکرار شده و عجیب است که ایشان اصلاح نکرده است!

ده سال بعد، یعنی سال ۱۳۵۰ ش، گزارش سومی توسط خان‌بابا مشار در کتاب دیگرش، یعنی در **فهرست کتاب‌های چاپی فارسی** منتشر شد. گزارش این‌گونه است:

«اثری از بی‌بصری: احمد رضا، تهران، ۱۳۲۸ ش، سربی، رقی، ۱۲۴ ص».

اهمیت این اقدام، درج مشخصات کتاب اثری از بی‌بصری در یک فهرست مرجع است و چون نسل‌های آینده به این فهرست مراجعه می‌کنند؛ از این رو این اطلاعات دائمی و ابدی می‌شود، اما متأسفانه شماره صفحه کتاب غلط است و نیز تاریخ نشر کتاب مشکل دارد. ناشر کتاب هم مؤلف بوده که ذکر نشده است.

بیست‌وشش سال پس از سومین گزارش، یعنی در سال ۱۳۷۶ ش، ناصر باقری بیدهندی در کتاب **دانشوران روشنفکران**، گزارشی درباره احمد منتشر کرد: «احمد رضا: وی باینکه نابینا بود، ولی از استعداد، هوش، فطانت و حافظه، بهره بسیار داشت و توانست مجموعه تأثرآوری

گرامیداشت روز جهانی عصای سفید بر فراز کوه دکتر صلاح محمدی: دبیر آموزش و پرورش استثنایی



پاییز رنگارنگ دیگری از راه رسیده و با هوای مطبوعی که با خود به ارمغان آورده است، همه را به طبیعت پرمهر خویش می‌خواند. برای تک‌تک ما، پاییز نماد خیلی از خاطره‌هاست. از بوی ماه مهر گرفته تا خش‌خش برگ‌هایی که هر کدام راوی قصه‌گرایی هستند. وقتی تقویم را ورق می‌زنیم، از لحاظ گرامیداشت و احترام به حقوق مدنی اقشار مختلف جامعه، ماه مهر یکی از شلوغ‌ترین ماه‌های سال است. ۱۵ اکتبر برابر با ۲۳ مهرماه، روز جهانی گرامیداشت عصای سفید و ایمنی نابینایان یکی از همین روزها است. چه بهانه‌ای بهتر از پاسداشت این روز مهم. در این روز تشکلهای مختلف نابینایان، هیأت‌های ورزشی افراد دارای آسیب بینایی، سازمان‌های ذریبط و گروه‌های مختلف نابینایان و کم‌بینایان، هر کدام به شکلی، بسته به وسع خویش و با عنایت به اهداف اساسی خود، یاد این روز مهم را گرامی می‌دارند؛ با این امید که در این دنیای پرتلاطم و محشر کبری، حقوق مدنی معلولین مغفول‌نمانده و مسئولین فراغ‌بال و بی‌خیال دمی به آن اندیشیده باشند.

گروه کوهنوردی عصای سفید کردستان نیز با توجه به داشتن تجارب گرانقدر در خصوص کوهنوردی افراد دارای آسیب بینایی، ظرفیت‌های انسانی و توانایی‌های

به نام «اثری از بی‌بصری» را گرد آورده، به علاقه‌مندان تقدیم کند؛ شاید موجب بصیرت ایشان شود. این کتاب که مشتمل بر ۱۲۴ صفحه است، در تهران، در سال ۱۳۲۸ شمسی، با حروف سربی و در قطع رقعی به چاپ رسیده است.»

در این گزارش نیز باینکه ناصر باقری بیدهدنی پژوهشگری شناخته‌شده است، ولی به متن کتاب احمد مراجعه نکرده است، چون تاریخ تولد احمد و دیگر اطلاعات را نیاورده و همان گزارش‌های قبلی را از مجله یادگار و خان‌بابا مشار اخذ کرده و با اندکی اصلاحات آورده است. برخی غلط‌های متن، اینجا هم تکرار شده است. این گزارش در صفحه ۲۹ کتاب دانشوران روشندل آمده است.

غیر از این چهار گزارش در دیگر منابع هیچ اشاره‌ای به احمد رضا نشده و حتی باینکه او اصالتاً اهل رشت بوده است، در چندین کتاب که درباره معلولان و نابینایان گیلان منتشر شده، نامی از احمد رضا نیامده است! مهم‌تر اینکه احمد رضا، دو برادر کوچک‌تر از خودش به نام فضل‌الله رضا و عنایت‌الله رضا داشت که هر دو شخصیت ملی و جهانی هستند و درباره آنها ده‌ها گزارش، مقاله و فیلم منتشر شده است، ولی در هیچ‌کدام از آنها هم نامی از احمد نیست؛ هرچند احمد از برادر تنی خود، فضل‌الله، در کتابش به‌نیکی نام برده است.

تصحیح و باز نشر

تصمیم گرفتم تا کتاب اثری از بی‌بصری را پیدا و پس از تصحیح و آماده‌سازی بار دیگر منتشر کنم. بالاخره بعد از دو سال تلاش اکنون سه جلد کتاب احمد که قبلاً در مجموعه‌ای با عنوان اثری از بی‌بصری منتشر شده بود، آماده نشر شده است. «ادامه دارد»

مربیان به این جمع صمیمی ملحق شدند. پس از صرف شام، جناب آقای ناصر محمدی از مربیان و مدرسان باتجربه کوهنوردی و سنگ‌نوردی فدراسیون کوهنوردی، جزئیات فنی برنامه و مختصات صعود را برای هم‌نوردان تشریح نمود و بلافاصله لذت و افتخار در کنار هم بودن را با نوای دل‌انگیز و روح‌پرور موسیقی، جشن گرفتیم. باز هم جادوی موسیقی همه را یکی کرده و تفاوت‌ها را محو نمود. از چشمه دل مهر بود که می‌جوشید و از حنجره‌ها، نوای همدلی بود که برمی‌خاست. گل لبخند بود که بر چهره تک‌تک دوستان می‌روید و سرود دوستی و همدلی بود که فضا را از همدلی آکنده می‌ساخت. هرچند دل‌کندن از موسیقی و کیمیاى جانبخش آن، دشوار است، اما خستگی مهمانان و صعود زود هنگام روز بعد موجب شد که خاموشی را اعلام نموده و حدود ساعت ۲۳ تسلیم خواب شویم. ساعت ۵ روز جمعه از خواب شیرین بامداد رحیل برخاسته، شال و کلاه کرده و نیم ساعت بعد پای در راه صعود نهادیم. محل تجمع تمام اعضای برنامه صعود، میدان گاز سنندج و ساعت ۶ صبح بود. بلاخره با تاخیری نیم‌ساعته برنامه صعود را کلید زدیم. شوق و صف‌ناپذیر صعود در وجود تک‌تک اعضای گروه، حضور سایر هم‌نوردان از گروه‌ها و باشگاه‌های کوهنوردی و تکاپوی افراد مشخص شده جهت هماهنگی‌های لازم، همه و همه از یک روز به یادماندنی خبر می‌داد. همه آمده بودند تا به نحوی در این برنامه منحصر به فرد قدمی بردارند و گوشه‌ای از این آفرینش مهر را سهیم شوند. گل سر سبد این برنامه، حضور اساتید و پیشکسوتان کوهنوردی چون استاد ناهید و استاد رفیعی در این جمع گرم و صمیمی بود.

مسیر صعود جاده‌ای خاکی است که به تفرجگاه خضر زنده ختم می‌شود. مسیر بدون حادثه خاصی و در نهایت شور و شعف طی می‌شود. یک ساعت بعد به تفرجگاه خضر زنده می‌رسیم. چند نفر از دوستان همدلی که از پیش خود را به اینجا رسانده‌اند، با چای زغالی به

فنی خویش در امر کوهنوردی، تصمیم گرفت تا پاسداشت روز جهانی عصای سفید و ایمنی نابینایان را، به شکلی متفاوت و با برنامه‌ای جذاب، برگزار نماید.

برنامه مذکور چیزی نبود جز طراحی یک صعود مشترک با تیم کوهنوردی انجمن نابینایان ایران، آبفای کردستان و علاقه‌مندان به مسائل افراد با آسیب بینایی. برخلاف بزرگنمایی‌ها و مشکل‌تراشی‌های معمول، گروه کوهنوردی عصای سفید کردستان در یک تماس تلفنی علاقه خود را جهت برگزاری این برنامه مشترک به اطلاع انجمن نابینایان ایران رسانده و آنها نیز از این دعوت پرمهر، صمیمانه استقبال نموده و آمادگی خود را جهت شرکت در این برنامه اعلام کردند. خیلی زود جلسه‌ها و هماهنگی‌های لازم انجام شد. با هدف طراحی یک برنامه کوهنوردی متوسط و دسترس‌پذیر، کوه آیدر بزرگ با ارتفاع ۲۵۵۰ متر، در جنوب سنندج انتخاب گردید و تاریخ و ساعت حرکت، ساعت ۶ بامداد روز جمعه ۲۱ مهرماه تعیین شد. انجمن نابینایان ایران با تیمی ۲۸ نفره روز پنجشنبه ۲۰ مهرماه راهی استان فرهنگی کردستان شده و حدود ساعت ۱۵ وارد سنندج، شهر خلاق موسیقی جهان شدند.

دو تن از اعضای عصای سفید کردستان، به استقبال مهمانان خود شتافته و طبق هماهنگی‌های قبلی، با استفاده از یک دستگاه مینی‌بوس و یک دستگاه سواری، راهی مهمان‌سرای آبفای کردستان شدند. با استقبال سایر دوستان، مهمانان خیلی زود در محل اسکان خود مستقر گردیدند. لختی استراحت و صرف یک چای لبسوز در بعد از ظهر یک روز پاییزی، خستگی راه را از تن مهمانان زدود. بعد از ظهر با بازدید از نقاط دیدنی مختلف شهر و بازارهای آن از جمله بازار تاناکورا و پیاده‌راه فردوسی و صرف کلانه، نان محلی و بسیار خوشمزه کردستان گذشت.

حدود ساعت ۲۱ همه به محل اسکان بازگشتند و مهمانان دیگری از گروه عصای سفید سقز و شهر

نسلمانا

زیباترین و به یادماندنی‌ترین تصاویر را شکار کرده و در حافظه تاریخ ثبت کرده و جاودانه می‌سازند.

به این ترتیب، حدود ۶۰ نفر از اعضای ۸۰ نفره برنامه، در نهایت سلامت و امنیت توانستند گام بر قله آیدر بزرگ گذاشته و افتخار دوستی با این یار دیرین را چون کاسه‌ای از انگبین بنوشند و لباس دوستی با این مظهر زیبایی طبیعت را بپوشند. پس از توقف کوتاهی در قله، مسیر بازگشت را در پیش می‌گیریم. کمی پایین آمده، به سمت چپ کوه پیچیده و مسیر خود را به سمت نظرگاه خضر زنده ادامه می‌دهیم. حدود ساعت ۱۲ است که در میان استقبال سایر دوستان که بی‌صبرانه منتظر بازگشت ما هستند، وارد مکان مقدس نظرگاه خضر زنده می‌شویم. دوستان همدل، باز هم با چای زغالی خود به استقبال ما می‌شتابند. الطاف بیکران دوستان در حق هم‌نوردان آیدر بزرگ و لبخندهای گرم و صمیمی تک‌تک آنها، تمام رنج راه و غبار نگاه را از وجودمان زدوده و روحی تازه و انرژی مضاعف در جسم و جانمان می‌دمد. از آب سرد و زلال چشمه نظرگاه خضر زنده یکی دو جام گرفته و سر و صورتی صفا می‌دهیم.

پس از کمی استراحت و صرف ناهار، این برنامه نیز با موفقیت کامل و با مشارکت کوهنوردان نابینا و کم‌بینای انجمن نابینایان ایران، گروه عصای سفید کردستان و خانواده‌های آنها، گروه آبفای کردستان، گروه عصای سفید سقز، مهمانانی از شهرستان مریوان و بسیاری از یاران همدل و دوستان همپیمان، به پایان رسید.

در پایان بر خود لازم می‌دانیم تا قدردان و سپاسگزار تک‌تک دوستان، هم‌نوردان، گروه‌ها و سازمان‌هایی باشیم، که صمیمانه در خلق این شور انسانی ما را یاری فرموده و با مشارکت خویش، به ما دلگرمی و انگیزه بیش از پیش بخشیدند. تمام دوستانی که لحظه‌ای ما را تنها نگذاشتند و با منش کوهنوردی خویش و پهلوان‌صفتی خود، موفقیت و افتخار را نصیب جامعه آسیب‌دیدگان بینایی استان کردستان ساختند.

استقبال اعضای گروه آمده و با چای‌های لبسوز خویش، روحی تازه در کالبدمان می‌دمند. با پک‌های صبحانه که از قبل آماده شده است، از مهمانان پذیرایی می‌کنیم. صبحانه را صرف کرده و بلافاصله سرپرست فنی برنامه، دستور صعود نهایی را صادر می‌کنند و حاضرین که حدود ۸۰ نفرند را به سه گروه تقسیم می‌کند. گروه ۱ آنهايي که تندپا هستند و به‌عنوان تیم پیش‌قراول راهی صعود می‌شوند، ۲ تیمی که با سرعت کمتری راهی قله می‌شود و نهایتاً گروهی که تمایل دارند در همان تفرجگاه مانده و از محیط بکر و طبیعی و فضای معنوی آن بهره‌مند شوند.

حدود ساعت ۹ و ۴۰ دقیقه است که مسیر صعود را که یک شیب نسبتاً تند است از سر می‌گیریم. باران‌های چند روز اخیر کردستان مسیر را لطیف و معطر ساخته است. استشمام عطر گل‌ها و گیاهان طبیعت شاید در پاییز عجیب به نظر برسد، اما آیدر همیشه سرسبز کردستان، در هر فصل و در هر زمان برای مهمانان خود هدیه و ارمغانی دارد. پاییز هم که فصل جود و کرم طبیعت است. بنابراین رخداد چنین پدیده‌ای هم زیاد غیر طبیعی به نظر نمی‌رسد. خلاصه که تو گویی عروس زیبای سندانج لباس‌های ملون خود را پوشیده و عطر دل‌انگیز خویش را بر سر و رو زده و چشم‌انتظار قدم‌های پرمهر دوستان دیرین خویش در گوشه‌ای از این سرزمین رنگین‌آرمیده است. پس از نیم ساعت، وارد یک پاکوب نسبتاً هموار می‌شویم. در این مسیر نیز، نیم ساعت دیگر به صعود خویش ادامه می‌دهیم. در یکی دو نقطه از جمله نقطه‌ای که به یخچال طبیعی سندانج و آیدر مشهور است، جهت صرف آب و تنقلات، استراحت کوتاهی کرده و سپس به سمت راست کوه پیچیده و وارد آخرین شیب می‌شویم که نهایتاً به قله ختم می‌شود.

عقره‌های ساعت، حدود ۱۰ و ۲۰ دقیقه را نشان می‌دهند که قله زیبای آیدر را در آغوش می‌کشیم. بلندپروازی خود را جشن می‌گیریم و سرود موفقیت را با همدیگر زمزمه می‌کنیم. نگاه هنرمندانه عکاسان گروه،

است که شعر صادقانه شعری است که بازتاب زندگی شخصی فرد و بیان‌کنندهٔ زادبوم شاعر و نشان‌دهندهٔ شرایط زندگی وی باشد. او می‌افزاید همیشه به دانش‌آموزانش یادآوری می‌کند که کتاب **آن روزها**، از طه حسین را بخوانند، زیرا نویسنده در این کتاب آنچه را دریافته به رشتهٔ تحریر درآورده است.

طه حسین در نوشته‌هایش بوی خوراکی‌ها و غذاهای مختلفی را که در بازارها و کافه‌ها و کوچه‌ها استشمام کرده تا صداهایی را که شنیده با جزئیات توصیف می‌کند. عصمتی هم می‌گوید: زمانی شعرش صادقانه است که تجربه‌های خاص نابینایی را به شکل چندبُعدی و نه به صورت خام منتقل کند، یعنی در کنار تجربه‌های ذکرشده، مسائل اجتماعی و مفاهیم عاشقانه را نیز بیان کند.

مهمان نواک راجع به دانستن تاریخ ادبیات و صور خیال و آرایه‌های ادبی و تأثیر آنها در شعر شاعر هم توضیحاتی ارائه می‌دهد و این امور را نیز به‌مانند تزیینات شعری می‌داند.

عصمتی راجع به ابزارهایی که یک پویندهٔ مسیر شعر باید رعایت کند می‌گوید: مطالعهٔ زیاد، نوشتن و حضور در محافل ادبی و از همه مهم‌تر نقدپذیری است. او هر یک از ابزارهای معرفی‌شده را توضیح می‌دهد و اهمیت و جایگاه آنها را برای یک شاعر تشریح می‌کند. عصمتی معتقد است که یک شاعر باید نقد اشعارش را زیاد بشنود و آنها را اصلاح کند تا بتواند به یک شاعر موفق تبدیل شود. او در ادامه در مورد کارگاه‌ها و محافل ادبی برخط و وبگاه‌ها و کانال‌های نقد شعر نیز توضیحاتی می‌دهد که شنیدن آنها در پادکست برای علاقه‌مندان خالی از لطف نخواهد بود.

مهمان نواک در پاسخ به این سؤال که علاقه‌مندان به شاعری برای آموزش و فراگیری اطلاعات در زمینهٔ شعر چه منابعی را باید مطالعه کنند؟ توضیح می‌دهد که علاقه‌مندان در ابتدا باید اهل مطالعه باشند و در مراحل

نواک: نوای کتاب در گفتگو با

صاحب‌نظران نابینا

رقیه شفیعی: کتابدار بخش نابینایان نهاد

کتابخانه‌های عمومی ایلام



این ماه هم مهمان لحظات شما شده‌ایم تا پای سخنان یک شاعر نابینا بنشینیم و باهم از سروده‌هایش بشنویم.

موسی عصمتی متولد روستای شورجهٔ بالای سرخس و بزرگ‌شدهٔ روستای معدن آق‌دریند، در شهر سرخس است و مدت‌هاست که در شهر مقدس مشهد سکونت دارد. او دبیر ادبیات است و به قول خودش سال‌هاست که در حوالی شعر قدم می‌زند. آثاری که از او تاکنون به چاپ رسیده است عبارت‌اند از: **قدمی مانده به تو، بی‌چشمداشت و بریل‌های ناگزیر**. او چند اثر نیز برای گروه سنی کودک و نوجوان تألیف کرده است. همچنین مجموعه رباعیات سمرقند از او در دست چاپ است.

عصمتی دربارهٔ ردپای نابینایی در شعرش توضیح می‌دهد و علت این ردپا را صداقت شاعرانه می‌داند. وی معتقد

بگذار و بگذر



هفته پیش که هفته مبارکمان بود، جهت شادباش کوری‌مان، ما را کلی این‌ور اون‌ور دعوت کردند و خیلی خوش گذشت و حسابی کیفور شدیم. به نظر من این ایام، ایام باسعادت است که همه ما کوران باید بیشتر قدر آن را بدانیم و از آن کمال بهره را ببریم. کم چیزی نیست که ما ۳۶۰ روز به اندازه یک دانه ارزن (کلمه مناسب را جایگزین کنید) هم ارزش نداریم و کسی نه در برنامه‌ریزی‌ها ما را یاد دارد و نه در هیچ جای دیگر، ناگهان طی چند روز ورق برمی‌گردد و کل توجهات می‌رود تو حلق مبارک ما؛ هم سازمان فخریه یاد ما می‌افتد، هم صدا و سیما و سایر رسانه‌های معتبر و هم مسئولان مقدس. تازه به ما غذا هم می‌دهند و ما را حسابی سیر می‌کنند. اینها نعماتی است که هرکس قدرش را نداند، همان بهتر که کور و کوردل بماند که لیاقتش همان بوده. فقط کاش می‌شد نام این روز مبارک را به «روز روشن‌دلان آسمانی» تغییر بدهند که به همه چیزمان بیاید. اصلاً من نمی‌فهمم چرا هرچه این غربی‌های لامذهب بگویند ما باید تکرار کنیم! روز ایمنی عصای سفید دیگر چه صیغه‌ای است؟! مگر عصا روز دارد؟! ما باید این روز را متناسب با فرهنگ پرفروغ ۱۴۰۰ ساله‌مان نام‌گذاری کنیم تا مشت‌های محکم باشد بر دهان یاهوسرایان. اگر می‌شد روزش را هم تغییر می‌دادیم به ۱۳ آبان که نورعلی‌نور بود.

بعدی کتاب‌هایی مثل **روزنه**، اثر محمدکاظم کاظمی را که در مورد شعر و آرایه‌ها و هر آنچه درباره شعر است بخوانند. این کتاب به زبانی ساده و روان نوشته شده و برای شاعران جوان دانش‌آموز و دانشجو مناسب است. کتاب دیگر **رصد صبح**، از محمدکاظم کاظمی است که به بررسی شعر بیست شاعر جوان می‌پردازد. این کتاب نیز می‌تواند به نوآموزان کمک کند؛ علاوه بر اینها کتاب‌های دیگری نیز هستند که برای علاقه‌مندان به شعر جنبه آموزشی دارد و به شاعر شدن آنها کمک می‌کند.

عصمتی در ادامه گفتگو، از اشعار خود برای شنوندگان پادکست نواک خواند و به معرفی کتاب سمرقند پرداخت. او همچنین درباره استقبال افراد نابینا از اشعارش و تأثیر اشعارش بر آنها سخن گفت.

اهل مطالعه و خوانندگان نواک نسل مانا می‌توانند برای تهیه منابع مطالعاتی خود و منابع معرفی شده در پادکست نواک به بخش‌های نابینایان کتابخانه‌های عمومی سراسر کشور مراجعه کنند. همچنین نسخه صوتی این گفتگو هم از طریق وبسایت و صفحات نسل مانا در شبکه‌های اجتماعی در دسترس علاقه‌مندان قرار دارد.



نسل‌مانا

روی سرم خراب شد. شما بدبختی بزرگ‌تر از این سراغ دارید!

تین ایچر که این را گفت، باقی بچه‌ها هم تأیید کردند که این فاجعه عظیم به دلیل کوری اتفاق افتاده و چقدر کورها بدبخت‌اند. ناگهان همه باهم دم گرفتند: وای وای ما کوریم! ما از شادی‌ها دوریم / وای وای ما کوریم! ما وصله ناجوریم.

دومی گفت: آقای موشکاف! من چند روز پیش در خیابان با یک خانم برخورد کردم و ایشان در ابتدا متوجه نشد که من نابینا هستم و کمی اخم کرد، اما وقتی متوجه شد، کلی ترحم کرد. آخر چرا باید ما این قدر بدبخت باشیم و مورد ترحم دیگران قرار بگیریم؟!

پیرو سخنان دومی، باز بقیه دم گرفتند: وای وای ما کوریم! ما از شادی‌ها دوریم / وای وای ما کوریم! ما وصله ناجوریم.

سومی گفت: اینها که چیزی نیست، من یک‌بار پایم در یک گودال آب رفت و کفش و پاچه شلوارم گلی شد. تا سه ماه افسردگی گرفتم و نمی‌دانستم چه خاکی بر سرم بریزم. واقعاً نمی‌دانم چطور بعد از آن اتفاق به زندگی برگشتم.

باز سایرین دم گرفتند: وای وای ما کوریم! ما از شادی‌ها دوریم / وای وای ما کوریم! ما وصله ناجوریم.

بعدی گفت: آقای موشکاف! من که نیمه‌کور هستم از همه این بچه‌ها بدبخت‌ترم. اصلاً من به خاطر بدبختی‌ها و سوتی‌هایم تا حالا سه بار خودکشی کرده‌ام، ولی مثل اینکه مثل سنجاب هفت‌تا جان دارم و نمی‌میرم. بار اول به خاطر این بود که در یک مهمانی، دستم خورد به فنجان چایی و آن را واژگون کردم. ف بر من که چنین خطای بزرگی از من سر زد! همان شب به خانه آمدم و با کش تنبان پدرم خودم را حلق‌آویز کردم، اما متأسفانه کش پاره شد. بار دوم زمانی بود که یکی از آشنایان مرا در خیابان دید و من متوجه او نشدم و سلام نکردم.

باری، ما هفته پیش برای شادباش، به یکی از مدارس کورپرور دعوت شدیم و رفتیم و پیش از صرف چلوکباب، سخنرانی غرای امیدبخشی راه انداختیم تا انگیزه‌ای باشد برای کوران نوجوان. بعد از سخنان گوهربار ما، چند تا از این دانش‌آموزان تین ایچر، ما را گیر انداختند و پس از کلی دست‌انداختن، گفتند: آقای موشکاف! این سخنان گوهربار شما به درد مرحوم عمه‌تان می‌خورد. ما به عنوان عده‌ای کور، نه جایی در جامعه داریم، نه جایی در خانواده داریم و نه حتی جایی در دل خودمان. آن قدر اتفاقات وحشتناک در زندگی ما می‌افتد که دیگر امیدی برای زندگی نداریم و می‌خواهیم همه، باهم، هاراگیری کنیم.

ما گفتیم: فرزندان کوردل ناامید من! درست است که ما، کوران، شهروندان درجه ششم هستیم، اما به یاد داشته باشید سایر هشتاد میلیون جمعیت کشور مقدسمان هم همچین شهروند درجه ۱ به حساب نمی‌آیند، به جز معدودی انسان برتر که به دلایل ذاتی منتخب شده‌اند، بر ما ولایت داشته باشند، باقی ما شهروند که نه، کالاهایی هستیم که در دست این منتخبین الهی دست‌به‌دست می‌شویم. گاهی به شکل شوکولات ما را در جلد می‌پیچند که مگس رویمان ننشیند؛ گاهی به شکل برگ رأی درمی‌آییم؛ گاهی مشت می‌شویم در دهان بیگانه؛ گاهی هم کودکان نادان نیازمند تأدیب هستیم؛ آن‌هم به روش‌های بدوی، به هر حال خوشحالییم که این بدبختی‌ها مختص ما نیست و از قدیم گفته‌اند «مرگ دسته‌جمعی عروسی است». حال بفرمایید ببینیم دقیقاً چه مرگتان است؟! شاید چاره‌ای جستیم!

یکی از تین ایچرهای ناامید گفت: جناب موشکاف! ما علاوه بر این بدبختی‌ها که شما فرمودید، هزار و یک مشکل دیگر هم داریم، مثلاً من امروز صورتم را اصلاح کردم و فکر می‌کردم خیلی خوش‌تیپ شده‌ام، اما در راه مدرسه، یکی از دوستانم به من گفت چند تار مو روی صورتت جا مانده. خب! اگر من کور نبودم، این اتفاق نمی‌افتاد. واقعاً وقتی دوستم به من این‌طور گفت، دنیا

نسل‌مانا

ثانیاً فرزندان کور عزیزم! بدانید و آگاه باشید که همه آدم‌ها باهم متفاوت‌اند. ما به‌عنوان کسانی که بینایی‌مان کمتر از دیگران است، حتماً در جاهایی رفتار متفاوت داریم و این بخشی از فرهنگ ماست. ما لزوماً نباید شبیه دیگران باشیم، کمالینکه هیچ‌کسی شبیه هیچ‌کس دیگر نیست. عزیزان من! خوب است که ما مرتب و منظم و تر و تمیز و آراسته باشیم و از نرم‌های جامعه دور نباشیم، اما این بدان معنی نیست که زندگی را به کاممان زهرمار کنیم و هیچ کاری نکنیم که مبادا سوتی بدهیم یا کاری که می‌کنیم شبیه دیگران نباشد.

و نکته پایانی اینکه این چرندیات را من نباید به شما بگویم، سازمان فخریمه که خراب مانده و هیچ کاری نمی‌کند، من نمی‌دانم در این مدرسه جز جنگ و جهاد و فریاد، چیز دیگری به شما آموزش نمی‌دهند؟ از معلم‌هایتان بخواهید به‌جای آن چرندیات، این خزعبلات را به شما بیاموزند که این‌طوری افسرده نشوید.

با صحبت‌های ما، ناگهان همه متحول شدند و فریاد صحیح است صحیح است، سر دادند و باهم دم گرفتند: ما کوریم ما کوریم! ما خیلی هم کیفوریم / ما کوریم ما کوریم؛ ما حقه وافوریم.

جمعیت با همین شعار وارد رستوران شد و کوران بدون قاشق و چنگال شروع به غذا خوردن کردند. وقتی ما به این موضوع اعتراض کردیم گفتند: موشکاف! تکلیف را روشن کن. اگر کوری بنشین و با دست غذا بخور تا فرهنگ کوری را رعایت کرده باشی، اگر نیستی برو بیرون که در جمع ما جایی نداری.

اینجا بود که فهمیدیم حرف زدن با این کوردلان فایده‌ای ندارد. خدایا! ما را از افراط و تفریط و بندگان کوردل دور کن!

ارادتمند

موشکاف

همان شب آن قدر عذاب وجدان داشتم که خودم را از پنجره اتاقم به پایین انداختم. این بار مشکل اینجا بود که ما طبقه همکف بودیم و فقط بینی‌ام خراش برداشت. دفعه سوم اما خیلی ناجور بود. ما به یک مهمانی رفتیم و من اشتباهاً به‌جای خورش، ژله را روی غذایم ریختم. همان شب تصمیم گرفتم مثل مرحوم سعید امامی با پودر بهداشتی خودم را خلاص کنم که اشتباهاً از پودر رختشویی استفاده کردم و تا یک هفته کف پس می‌دادم.

باز باقی دم گرفتند: وای وای نیم‌کوریم! ما از شادی‌ها دوریم / وای وای نیم‌کوریم! ما وصله ناجوریم.

ما که دیدیم این نوجوانان را رها کنیم تا صبح می‌خواهند خزعبلات به هم ببافند، جمع را آرام کردیم و گفتیم: فرزندان کور و خنگ من! اولاً بدانید و آگاه باشید این چیزهایی هم که می‌گویید مثل حرف‌های قبلی، صرفاً مختص شما کوران نادان نیست و بسیاری از آدم‌ها، به‌ویژه نوجوانان، به دلیل تجربه کمتر، ممکن است به قول خودتان سوتی بدهند یا اشتباهی داشته باشند. فقط فرقی این است که آنها می‌دانند که در این مسائل تنها نیستند و عکس‌العمل خنثای دیگران را می‌بینند و متوجه می‌شوند سوتی یا اشتباهشان جهان را زیر و رو نکرده، اما شما کورید و طبیعتاً نمی‌بینید و فکر می‌کنید حالا که چهارتا تار مو روی صورتتان مانده یا لباستان گلی شده یا چای را ریخته‌اید، کل ملت کار و زندگی‌شان را ول کرده و میخ شما شده‌اند. فرزندان پُرازش من! اگر شما فکر می‌کنید این‌قدر مورد توجه همه جهان هستید، باید بگویم کور خوانده‌اید! ممکن است این اتفاق‌ها یا سوتی‌ها ناخوشایند باشند، اما همان‌طور که گفتم برای هرکسی ممکن است اتفاق بیفتد؛ ضمن اینکه مردم هم بیشتر از پنج ثانیه وقت ندارند برای این چرندیات صرف کنند. آنها این خزعبلات را بر زمین می‌گذارند و شما تازه بر دوش می‌کشید.



برجسته نگار هوشمند همراه، تولید شرکت پکتوس



صاحب امتیاز: انجمن نابینایان ایران

وبسایت: www.naslemana.com / ایمیل: info@naslemana.com

اینستاگرام: @naslemana / تلگرام: @naslemana / واتساپ: +۹۸ ۹۱۲۷۲۷۷۵۵۳

شماره تماس: ۰۲۱-۲۲۵۶۰۲۵۵ / سامانه پیامکی: ۵۰۰۰۲۲۲۲۲۶